

استاد شدن: جستاری در منش استادی دکتر فربرز معطر به مناسبت هشتاد و دومین سالگرد تولد استاد دکتر فربرز معطر

عبدالعلی محقق زاده^{الف*}

الف گروه داروسازی سنتی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

چکیده

در این پژوهش سعی بر آن است که ضمن بررسی عملکرد و منش استاد پیشکسوت دانشکده داروسازی اصفهان، دکتر فربرز معطر، برخی ویژگی‌های استاد و ریشه‌های آن استخراج و به دانشجویان، نسل جوان و استادان دانشگاه‌ها و سیاست‌گذاران سیستم آموزشی معرفی شود. شیوه مطالعه در این تحقیق براساس بررسی مستندات در دسترس (کتاب، سرگذشت علمی، پایان‌نامه‌ها، تصاویر و سایر) و انجام مصاحبه با شخص استاد، همکاران و دانشجویان سابق ایشان است. نتایج به دست آمده در قالب پیشینه، شیوه آموزش، شاگردپروری (الگوی جذب دانشجو، اعتماد به دانشجو، ایجاد اعتماد به نفس، مهربانی، خیرخواهی، عشق به دانشجو، صبوری در تنش‌ها، آموزش عملی حفظ شئون دانشگاه، آموزش عملی احترام به استادان، دانشجویان و کارکنان و عملیاتی کردن نتایج تحقیقات در عرصه تولید)، تعامل و نوع رابطه با همکاران دانشگاهی، میراث‌داری پیشینیان توأم با آینده‌نگری و مکتب گیاهان دارویی و فارماکوگنوزی تقسیم‌بندی شده و مورد بحث قرار گرفته است. امید است بررسی‌هایی از این دست سبب بازنگری و روزآمد شدن قالب شئون استادی براساس رسالت‌های اساسی دانشگاه مانند شاگردپروری، آموزش پاسخگویی به نیاز جامعه، توجه ویژه به منش اخلاقی و به‌طور کلی استاد الگو و بافضیلت باشد.

تاریخ دریافت: فروردین ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: اردیبهشت ۱۴۰۲

کلیدواژه‌ها: صلاحیت حرفه‌ای، فارماکوگنوزی، گیاهان دارویی

مقدمه

دانشگاه‌ها بسیار الهام‌بخش است؛ برای نمونه مروری بر متن مصاحبه با استادان نام‌آور دانشگاه علوم پزشکی تهران نشان می‌دهد که علاوه بر سرآمدی در رشته تخصصی، منش، رفتار و اخلاق متقاضی و عضو هیئت علمی به‌عنوان عامل مهم تأثیرگذاری استاد باید همواره مدنظر قرار گیرد (۲).

در این پژوهش سعی بر آن است که در کنار مرور و تحلیل عملکرد استاد پیشکسوت دانشکده داروسازی اصفهان، استاد پیشکسوت دکتر فربرز معطر، برخی ویژگی‌های استاد الگو و ریشه‌های آن استخراج و به دانشجویان، استادان جوان دانشگاه‌ها و سیاست‌گذاران سیستم آموزشی معرفی شود.

در خصوص سرگذشت علمی دکتر معطر، پیش‌تر مطالبی انتشار یافته و بزرگداشت‌هایی (تصویر ۱) برگزار شده است (۳)، (۴). در این تحقیق سعی بر آن است که با مروری بر انتشارات و آثار مستند استاد و نیز از طریق مصاحبه با خود استاد، همکاران و شاگردانشان به جنبه‌های ناپیدای زندگی علمی و

شیوه برگزیدن استاد در دوران تمدن اسلام و ایران و نیز جذب و ارتقای عضو هیئت علمی در دانشگاه‌های امروزی، همواره چالش‌های زیادی را پشت سر گذاشته است (۱). شیوه‌نامه‌های مختلفی برای ارزیابی استاد و ارتقای او در همه دنیا نگاشته شده است. در ایران عمده تمرکز جذب و ارتقای استاد بر ارزیابی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، اجرایی و اخیراً فناوری است. نتیجه چنین جزئی‌نگری‌ها و تکتیری در ارزیابی، الزاماً به استادی الگو، شاگردپرور، نظریه‌پرداز و ماندگار در ادبیات یک رشته دانشگاهی نمی‌انجامد. از طرفی در کنار این موارد برای جذب و ارزیابی عضو هیئت علمی، شیوه‌نامه‌های پنهان (Hidden curriculums) مختلفی در دنیا برای ارزیابی منش عضو هیئت علمی وجود دارد. جهت دستیابی به شاخص‌هایی کارآمد برای جذب و ارتقای استاد، تحلیل ویژگی‌های استادان فرهیخته و صاحب‌سبک معاصر

گردد. همچنین این پژوهش می‌تواند دستمایه‌ای برای ریشه‌یابی مکتب گیاهان دارویی، فارماکونوزی و طب سنتی باشد.

ریشه‌های موفقیت دانشگاهی پرداخته شود تا از این طریق برخی ویژگی‌های شئون استادی استخراج، دسته‌بندی و ارائه



تصویر ۱. تمبر یادبود بزرگداشت استاد معطر در دانشگاه علوم پزشکی شیراز (سال ۱۳۹۱ش)

داروسازی اصفهان (۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ش) را که برخی دروس تخصصی را نزدشان شاگردی کرده، در پژوهش آورده شده است. بازه زمانی پژوهش به‌طور عمده به دوران فعالیت هیئت علمی استاد دکتر معطر (۱۳۵۱ تا ۱۳۸۱ش، یعنی دوران بازنشستگی از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان) مرتبط است. همچنین در صورت لزوم به ریشه‌های تاریخی پیش از این دوران یا دستاوردهای پس از آن، اشاره‌ای گذرا شده است. ناگفته پیداست که تحلیل دقیق خارج از این بازه زمانی نیاز به پژوهش‌های دیگری دارد.

درنهایت با الگوگیری از تحقیق داف در سال ۲۰۲۲ (۵)، سعی شده است مطالب استخراج‌شده از مستندات، مکتوب و نیز مصاحبه‌ها در قالب الگوی موضوعی دسته‌بندی و با ذکر شاهد مثال ارائه شود.

پیشینه

پرداختن به پیشینه زندگی استادان یکی از شیوه‌های بسیار بااهمیت در یافتن ریشه‌های فرهیختگی استاد و مشخص شدن سهم خانواده، محیط زندگی و فضای رشد، معلمان و استادان و

شیوه جمع‌آوری داده‌ها و پژوهش

شیوه مطالعه در این تحقیق براساس بررسی مستندات در دسترس و انجام مصاحبه است. بخشی از مستندات مورد استفاده شامل سرگذشت‌های علمی انتشاریافته از استاد (۳، ۴) و مستندات موجود در کتابخانه دانشکده داروسازی اصفهان اعم از کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هاست. جهت پژوهش شیوه تدریس درس گیاهان دارویی (گیاه‌شناسی دارویی) نظری، به‌عنوان درس شاخص مورد تدریس استاد، جزوه دوران دانشجویی نگارنده مقاله بررسی شد. همچنین عمده تصاویر مرتبط با بازه زمانی تحقیق از آرشیو شخصی استاد معطر تهیه و استفاده شد. مصاحبه‌های انجام‌شده شامل مصاحبه با استاد معطر برای بیان رویدادهای مهم زندگی و فضای کاری مقاطع مختلف زندگی و نیز مصاحبه با همکاران، دستیاران و دانشجویان سابق ایشان است. همچنین یافته‌های نگارنده به‌عنوان دانشجوی عمومی استاد در دانشکده داروسازی کرمان (۱۳۶۶ تا ۱۳۷۲ش) و دانشجوی پایان‌نامه‌ای استاد در دوره دکتری عمومی و دستیار دوره تخصصی فارماکونوزی دانشکده

به‌طور کلی تأثیر عوامل و محیط بیرونی در کنار تلاش‌های فردی در رشد و بالندگی و منش اوست. در این بخش از زبان استاد، روند رشد و بالندگی از زمان تولد تا شروع فعالیت در دانشکده داروسازی اصفهان، که برای اولین بار انتشار می‌یابد، مرور می‌شود.

• نکاتی چند از مراحل زندگی برادران همزاد از زبان استاد

«اخوی و من در ۶ اردیبهشت ۱۳۲۰ با یک ساعت فاصله در تهران به دنیا آمدیم. البته این‌طور که گفته شده اول بنده به دنیا آمدم و در مقابل تعجب و حیرت قابله و مادر، بعد از یک ساعت معلوم شد که فرزند دیگری هم در راه بوده است. به هرحال تولد ما در ایام جنگ جهانی دوم بود و کشور در اشغال بیگانگان. مادر ما به‌اندازه کافی شیر برای دو نفر نداشت و احتیاج به تهیه شیر خشک اضافی بود که در آن زمان بسیار کمیاب بود و بعدها شنیدیم که ابوی بسیار برای تهیه شیر خشک در زحمت بوده و ساعات زیادی را با درشکه در شهر برای تهیه شیر خشک در جست‌وجو و در حرکت بوده است. به هرحال ما آن زمان در خیابان بوذرجمهری رویه‌روی بازار آهنگرها در منزل کوچکی اقامت داشتیم و تا ده‌سالگی در همان منزل زندگی می‌کردیم. ما سه سال اول دبستان را در دبیرستان خرد در خیابان امیریه گذرانیدیم و سپس به قلهک، خیابان یخچال در منزلی که پدربزرگ بنا کرده بود، منتقل شدیم. این خانه بحمدالله هنوز برقرار است و پس از چند نسل اکنون محل تجمع و دید و بازدید افراد خانواده می‌باشد. سه سال بعدی دبستان را در دبستان نوین‌دای در محله قلهک شرقی گذرانیدیم و سپس به دبیرستان جم قلهک که هنوز هم برقرار است رفتیم و تا سطح دیپلم در آن مدرسه، که در نزدیکی خیابان دولت در مرکز قلهک در خیابان شمیران قرار داشت، تحصیل کردیم.

اکثراً شباهت بسیار زیاد ما با هم موجب تعجب معلمان عزیز می‌شد و بنده را معطر ۱ و اخوی را معطر ۲ خطاب می‌کردند (تصویر ۲). البته این شباهت هم در امتحانات شفاهی برای ما کمک بزرگی محسوب می‌شد؛ زیرا اخوی در دروس ریاضی قوی‌تر بود و من هم در دروس طبیعی و ادبی بیشتر

مطالعه داشتیم. از خاطرات جالب این دوران هم‌شاگردی بودن ما با سه چهره هنری بزرگ امروز کشور بود؛ زیرا ما با آیدین آغداشلو، نقاش و مفسر بزرگ هنری ادبی کشور، علی گلستانه، نقاش معروف و شناخته‌شده، و بالاخص با شادروان عباس کیارستمی، هم‌کلاس و دوست بودیم. به خاطر داریم که هم آیدین و هم گلستانه و هم عباس در همان زمان هم به نقاشی می‌پرداختند و به‌خصوص عباس به عکاسی علاقه بسیار داشت و کارهایی را که در آن زمان انجام می‌دادند به ما نشان می‌دادند.

پدربزرگ من، مرحوم حسین معطر، انسان بسیار فرهیخته و صنعتگری بود. او به زبان‌های عربی و ترکی آشنایی کامل داشت و به زبان فارسی مسلط بود. ایشان به عطریات و مواد معطره بسیار علاقه‌مند و دارای شامه فوق‌العاده قوی بود که باعث حیرت متخصصان صنعت عطر و ادکلن بود. ایشان ابتدا مغازه‌ای در خیابان بوذرجمهری در کنار مسجد شاه تهران تأسیس و به خرید و فروش عطرهای داخلی و خارجی مشغول بود و به کشور آلمان و جدیت آلمانی‌ها در کار و صنعت علاقه و توجه ویژه‌ای داشت. ایشان بعد از چندی، ساختمان بزرگی در خیابان بوذرجمهری تأسیس و با ساختن سالن‌های بزرگ کارگاهی و نصب دستگاه‌های بزرگ تقطیر آب و الکل و ساخت ادکلن و عطر، اولین واحد ساخت عطر و ادکلن را به‌صورت صنعتی در ایران تأسیس کرد و مغازه‌ای هم در اوایل خیابان ناصرخسرو نزدیک بازار تهران تهیه کرد که به‌عنوان دفتر کار و محل پخش محصولات معطر از آن استفاده می‌شد. در این فعالیت‌ها مرحوم پدر ما، محسن معطر، که دارای تحصیلات عالی بود و دوره‌نهایی اولین مدرسه عالی ایران، مدرسه علوم سیاسی را گذرانده و به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، عربی و بعدها آلمانی مسلط و در علم تجارت هم متبحر بود پدربزرگ را همراهی می‌کرد و پیوسته در محل کار با هم همراه بودند و در امور تجارت از دانش و توانمندی پدر بهره‌گیری می‌شد. همان‌طور که ذکر شد مرحوم پدربزرگ، انسانی فرهیخته و متفکر بود و اولین مجله اقتصادی در ایران را به نام مجله «قلم آزاد» در تهران منتشر می‌کرد، که چون نسبتاً در نوشتن، به قول معروف بی‌پروا بود بعد از مدتی مجله

دفتر ایشان گروهی از بزرگان علم و فرهنگ جمع می‌شدند و بحث و گفت‌وگو می‌کردند.

توقیف و از انتشار آن جلوگیری شد، اما پدر بزرگ با نویسندگان و شعرای بزرگ آن زمان آشنا بود و اکثراً در محل



تصویر ۲. برادران همزاد فریبرز و فرامرز در کنار مرحوم پدر محسن معطر

بودند و از ابتکارهای ایشان ساخت یک نوع صابون رخت‌شویی استاندارد بود که در آن از اسانس طبیعی لیمو استفاده می‌شد. این صابون به‌خصوص در نواحی شمالی کشور محبوبیت ویژه‌ای داشت؛ زیرا لباس‌هایی که با این صابون شسته می‌شد بوی مطبوع لیمو را پیدا می‌کرد و حشرات به‌خصوص از عطر لیمو بسیار گریزان بودند و افرادی که این لباس‌های شسته را می‌پوشیدند از گزند حشرات در امان بودند و به‌خصوص استفاده از آن برای شستن ملحفه‌ها هم بسیار معمول و متداول بود.

باید ذکر کنم که پدر برای مدیریت علمی واحد صابون‌سازی مدت ۸ ماه تمام به آلمان عزیمت کرد و در شهر درسدن آلمان در یک واحد بسیار بزرگ صابون و عطر‌سازی به

بعد از مدتی پدر بزرگ به فکر توسعه صنعت عطر‌سازی و مواد آرایشی افتاد و با وارد کردن دستگاه‌های لازم از آلمان، به ساختن و عرضه محصولات آرایشی-بهداشتی مشغول شد. در نهایت با آشنایی‌ای که با مرحوم داروگر بزرگ داشت و مشورت با ایشان، دستگاه‌های ساخت صابون را از آلمان و ایتالیا خریداری کرد و در واحد بزرگی که در جاده قدیم کرج به کمک پدر احداث کرده بود، ساخت انواع مختلف صابون را در دستور کار قرارداد. در این فعالیت‌ها هم پدر دوش‌به‌دوش، ایشان را همراهی می‌کرد. به یاد دارم در آن زمان ادکلن‌های کرپ‌دوشین، شپیر و اتوال معطر و صابون‌های قلب که قالب ساخت آن را از آلمان وارد کرده بود و انواع دیگر صابون با عطرهای مختلف ساخت معطر از معروفیت ویژه‌ای برخوردار

انجام کارآموزی عملی در مورد ساخت صابون و عطریات مشغول شد. در این رابطه پدر بزرگ هم با شامه حیرت انگیزش بهترین و مناسب ترین و بادوام ترین عطرمایه ها را برای ساختن ادکلن و صابون از کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان و هلند وارد می کرد و مورد استفاده قرار می داد. با توجه به وسعت زمین تهیه شده در کرج و سالن های عظیمی که در آن احداث شده بود، فکر توسعه کارخانه و ساخت سایر مواد شوینده و حتی دارو مورد توجه پدر بزرگ و پدر قرار گرفت.

در این زمان بنده و اخوی دیپلم دبیرستان را اخذ کرده بودیم و من در دانشگاه تهران مشغول تحصیل در رشته بازرگانی شدم که در آن زمان فاقد دانشکده مستقلی بود و کلاس های آن در محل دانشکده حقوق دانشگاه تهران برگزار می شد و اخوی هم به طور موقت در تجارتخانه با پدر بزرگ و پدر همکاری می کرد. در نهایت برای مدیریت صنایع عطر و صابون سازی در آینده، تصمیم گرفته شد که اخوی در رشته شیمی در آلمان مشغول به تحصیل شود و به این سبب پسرعمو دکتر فریدون معطر، استاد دانشگاه صنعتی شریف، که در آن زمان مشغول گذراندن دوره دکتری شیمی معدنی در دانشگاه صنعتی کارلسروهه آلمان بود برای اخوی پذیرش برای رشته شیمی کسب کرد و اخوی پس از گذراندن دوره فشرده زبان آلمانی در تهران در اواخر سال ۱۳۳۹ عازم آلمان شد. بعد از مدتی پدر توصیه کرد که من هم بهتر است که به آلمان بروم و در رشته داروسازی تحصیل کنم، تا بعداً بتوانم در ساخت دارو فعالیت داشته باشم. تلاش اینجانب برای راضی کردن پدر برای اتمام تحصیل در تهران و سپس عزیمت به آلمان به نتیجه نرسید و بنده ضمن تحصیل در دانشگاه تهران به آموزش زبان آلمانی مشغول و در کلاس های فشرده زبان آلمانی، که در آن زمان در محل دبیرستان البرز تهران توسط استاد بزرگ زبان آلمانی، مرحوم مهندس شهابی برگزار می شد، ثبت نام کردم و هر روز عصرها به مدت ۲ و نیم ساعت در این کلاس های فشرده شرکت می کردم. شادروان شهابی استادی بسیار سخت کوش و سخت گیر بود و مرتب از شاگردان سؤال می کرد، به طوری که مجبور بودیم در تمامی روز به آموختن دروس روز قبل مشغول باشیم، تا مورد

تأدیب استاد قرار نگیریم. یاد دارم که این کلاس ها در سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ برگزار می شد. در طول این زمان اخوی موفق شد برای اینجانب در رشته داروسازی از دانشگاه کارلسروهه پذیرش اخذ کند و اتفاقاً سال ۱۳۴۰ اولین سالی بود که وزارت علوم برای اعزام دانشجوی به خارج شرط قبولی در امتحان زبان را که قرار بود در هر سال ۲ بار برقرار شود، تعیین کرده بود. به هرحال با سخت گیری های ارزشمند استاد شهابی، بنده موفق شدم در امتحان زبان آلمانی انجام شده امتیاز بالای ۹۰ را کسب و در اوایل بهار سال ۱۳۴۰ به آلمان عزیمت کنم.

• تحصیل در آلمان از زبان استاد

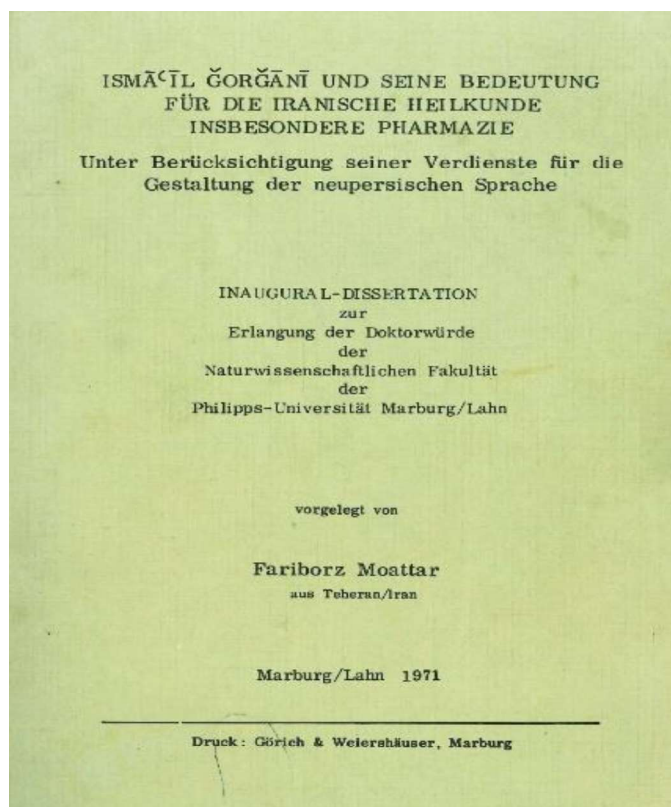
«در آلمان برای اولین بار برای خارجی ها پیش ترم تحصیلی Vorsemester برقرار کرده بودند و باید در کلاس های زبان، ریاضی و فیزیک شرکت می کردم و در صورت قبولی در امتحان نهایی ترم می توانستیم تحصیل را شروع کنیم که به لطف حضرت سبحان در این امتحان هم قبول و در ترم زمستانی سال ۱۹۶۱ میلادی توانستم تحصیل در داروسازی را در دانشگاه کارلسروهه شروع کنم. مشیت پروردگار بر این بود که ما دو برادر همزاد، پنج سال تمام در کشور غربت باز با هم در یک شهر باشیم و هر روز همدیگر را ببینیم. در سال ۱۳۴۵ ش مالیات بسیار سنگینی بر شرکت معطر، که من و اخوی هم سهام کمی در آن داشتیم، بسته شد که پدر بزرگ و پدر از پرداختن آن عاجز و ناچار شرکت منحل اعلام شد و تمامی نقشه ها و برنامه ها و اهداف توسعه آتی آن بر باد رفت. این واقعه در زمانی اتفاق افتاد که بنده مشغول انجام امتحان فوق لیسانس Staatsexamen داروسازی و اخوی مشغول گذراندن فوق لیسانس شیمی بود. لذا با توجه به انحلال شرکت، اینجانب به جای گذراندن دوره دکتری شیمی دارویی، به گذراندن دوره گیاهان دارویی و فارماکولوژی و اخوی به جای گذراندن دوره دکتری شیمی آلی به گذراندن دکتری رادیوشیمی در دانشگاه صنعتی کارلسروهه، که متصل به تأسیسات بزرگ اتمی آلمان در همین شهر بود، مشغول شدیم. اخوی به کار در مورد کاربرد عنصر پلوتونیم، از عناصر بسیار قوی و خطرناک رادیواکتیو برای

روسر، علامه بزرگ زبان‌های شرقی و طب تمدن اسلامی،
مشغول به تحصیل شدم» (تصویرهای ۳ و ۴).

صنایع مشغول شد و بنده هم در دانشگاه ماربورگ در خدمت
استادان بزرگ پروفیسور کاتینگ، پروفیسور اشمیتس و پروفیسور



تصویر ۳. دکتر فریبرز معطر در دوران دانشجویی در کنار استاد راهنما پروفیسور ردولف اشمیتس، رئیس دانشگاه ماربورگ، و معاون ایشان، پروفیسور دیلگو، در سفر مطالعاتی جنوب فرانسه



تصویر ۴. جلد پایان‌نامه دوره دکتری استاد معطر با موضوع مطالعه آثار سید اسماعیل جرجانی (سال ۱۹۷۱ میلادی، دانشگاه ماربورگ آلمان)

قوانین سخت گیرانه‌ای که برای دانشجویان آلمانی برقرار بود برای دانشجویان خارجی هم مقرر بود و آموزش برای همه یکسان و بسیار سخت گیرانه و مصرانه و با ارجحیت به یادگیری عملی انجام می پذیرفت و برخلاف بعضی از کشورها که مقاصد سیاسی در تربیت دانشجویان خارجی ملحوظ می شد دانشجویان باید با حداکثر توان در یادگیری نظری و عملی دروس موفق می بودند تا به افتخار فارغ التحصیلی نائل شوند. به این لحاظ دانشجویان خارجی فارغ التحصیل در آلمان می توانستند حتی همانند دانشجویان آلمانی در مؤسسات ملی و دولتی آلمان به کار گمارده شوند و آنهایی که به کشور خود مراجعه می کردند، اکثراً با خمیره کسب شده از تربیت علمی و عملی آلمان، موفق به انجام کارهای بسیار بزرگ، از تأسیس کارخانجات، کارگاه های فنی، مؤسسات بزرگ اقتصادی و در بخش ساختمان، مجری پروژه های بسیار عظیم و موفق ملی از کارخانجات، سد سازی ها، پل، راه آهن، جاده و ... می شدند و آنهایی که افتخار معلمی در دانشگاه ها را پیدا می کردند، برقرارکننده نظم و انضباط آلمانی در محل کار و ترجیح آموزش عملی بر نظری صرف می شدند. در نهایت باید گفته شود که رمز موفقیت دانش آموخته های آلمانی، شناخت و آموزش عاشق شدن به کار و عمل صالح بوده و می باشد. در این رابطه این بیت مصداق پیدا می کند:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما»

در رابطه با فضای تحصیل در آلمان و در حیطه گیاهان دارویی جناب استاد قاسمی دهکردی که در نسل بعد از استاد معطر در دانشگاه ماربورگ آلمان تحصیل کرده اند محیط تحصیل فارماکوگنوزی را این گونه توصیف می کند: «به طور کلی فضای تحصیلات تکمیلی فارماکوگنوزی در آمریکا و انگلستان بیشتر به سمت مطالعات فیتوشیمی و سبک آموزشی آلمان فارماکوگنوزی به معنای واقعی آن بود. دانش آموخته دانشگاه های آلمان باید توانایی تشخیص گیاهان در محیط طبیعی را می داشت و به رده بندی گیاهان آگاه بود. به طور کلی در آلمان عطاری وجود ندارد و داروخانه ها در آلمان مطابق

به طور کلی استادان تأثیرگذار بر دوران دانشجویی دکتر معطر در آلمان عبارت اند از:

- پروفیسور کارل بودن دورف (Prof. Dr. C. Bodendorf) استاد بزرگ شیمی دارویی دانشکده داروسازی، دانشگاه صنعتی کارلسروهه
- پروفیسور کارل اشپرشر (Prof. Dr. C. Sprecher) استاد فارماکوگنوزی دانشکده داروسازی، دانشگاه صنعتی کارلسروهه و استاد دانشکده داروسازی دانشگاه هامبورگ
- پروفیسور اتو شولدر (Prof. Dr. O. Scholder) استاد شیمی معدنی، دانشگاه صنعتی کارلسروهه
- پروفیسور ردولف اشمیتس (Prof. Dr. R. Schmitz) استاد حکمت و تاریخ داروسازی دانشگاه ماربورگ
- پروفیسور اتو روسلر (Prof. Dr. O. Rössler) استاد زبان های شرقی دانشگاه ماربورگ
- پروفیسور مارکس ویشتل (Prof. Dr. M. Wichtel) استاد فارماکوگنوزی و فیتوفارماسی دانشگاه ماربورگ
- پروفیسور ویلهلم کاتینگ (Prof. Dr. W. Kating) استاد گیاه شناسی و فارماکوگنوزی دانشگاه ماربورگ

«از عجایب زمان این که هر دو در ماه می ۱۹۷۱، ایشان در کالسروهه و بنده در ماربورگ، موفق به فارغ التحصیلی و اتمام تحصیلات شدیم. به هر حال سرنوشت این طور رقم زد که بعداً اخوی در سازمان انرژی اتمی ایران و دانشگاه های تهران، امیرکبیر و آزاد تهران مشغول خدمت و تدریس شود و بنده در دانشگاه اصفهان در دانشکده داروسازی مشغول شوم و توفیق این را پیدا کنم که پایه گذار فرمولاسیون و ساخت داروهای گیاهی در کشور باشم. توفیق الهی سبب شد اخوی به تربیت شایسته ترین و موفق ترین دانشمندان هسته ای کشور نائل شود و اینجانب افتخار داشتن حق معلمی بر گردن برجسته ترین استادان زبده فارماکوگنوزی و فیتوفارماسی دانشگاه های بزرگ کشور را داشته باشم».

«آنچه لازم است ذکر شود این است که در آلمان و به تبع آن در دانشگاه های آن کشور، به هیچ وجه فرقی بین دانشجویان آلمانی و خارجی قائل نبودند و همان مقررات و

کتاب DAB گیاهان دارویی را تجویز می‌کردند. در داروخانه فضای بزرگی وجود داشت و گیاهان را بسته‌بندی و نام علمی را بر روی بسته نگارش می‌کردند. همچنین در داروخانه‌ها عصاره می‌گرفتند و مطابق فارماکوپه، عصاره الکلی تهیه می‌کردند. دانشجویان در دوران کارآموزی در داروخانه، درمان با گیاه را می‌خواندند و با آن آشنا می‌شدند. شرکت‌های مختلف در آلمان به صورت مستمر در زمینه ارائه مواد گیاهی استاندارد یا ترکیبات خالص کار می‌کردند. در آلمان دانشجویان داروسازی ترکیبات تشکیل‌دهنده گیاهان را می‌آموزند و نگاه درمانی دقیق را آموزش می‌بینند. ابتدا دانشجو فوق‌لیسانس می‌گیرد و بعد در داروخانه یک سال کار می‌کند و دانشجو در داروخانه برای نمونه نسخه‌های آرامبخش گیاهی را می‌بیند. حجم پایان‌نامه داروسازی عمومی کوچک است و باید دانشجو در آزمون آخر دوره قبول شود تا Apoteker و Doctorarbeit شود».

• علت آمدن به اصفهان و شروع فعالیت در دانشکده

داروسازی از زبان استاد

«بنده در اواخر سال ۱۳۵۰ برابر با ۱۹۷۱ میلادی، از دانشگاه ماربورگ فارغ‌التحصیل شدم و مانند اکثر دانشجویان مقیم خارج پس از فارغ‌التحصیلی و اتمام کار چاپ رساله دکتری و تحویل به دانشگاه بلافاصله عازم ایران شدم و در تهران نزد پدر و مادر و خانواده مراجعه کردم. در تهران معلوم شد که باید دوران سربازی را بگذرانم و نیز معلوم شد که اگر به عنوان استاد در یکی از دانشگاه‌های شهرستان‌ها مشغول شوم می‌توانم از طرح تازه برقرارشده ۲۴ هفته‌ای برای سربازی استفاده کنم.

اصول این طرح بر این مبنا بود که پس از اشتغال در دانشگاه در ۲ تابستان، مدت ۳ ماه یعنی ۱۲ هفته باید دوره تعلیمات سربازی را بگذرانم و سپس به درجه افسری نائل شوم و بقیه زمان را تا مدت دو سال باید در آن دانشگاه به کار ادامه دهم و پس از ۲ سال می‌توان ورقه خاتمه را دریافت کنم و به هر کجا که بخواهم بروم. در این هنگام یکی از دوستان دوران تحصیل در دانشگاه کالسروهه آلمان، دکتر مهدی مویدی، که به عنوان استاد در دانشکده شیمی

دانشگاه اصفهان مشغول به کار شده بود تلفن کرد و اطلاع داد که دانشکده داروسازی اصفهان احتیاج به یک استاد برای رشته فارماکونوزی دارد و اگر من بخواهم ایشان می‌توانند بنده را به دانشکده معرفی کند. لاجرم پس از مشورت با خانواده عازم اصفهان شدم و پس از ملاقات با دکتر مویدی به اتفاق ایشان به دانشکده داروسازی مراجعه کردم و در دفتر دانشکده به استاد دکتر ضیاء که تازه از آمریکا برگشته و به عنوان معاون دانشکده مشغول کار بودند معرفی و پس از گفت‌وگو با ایشان و تضمین استاد مویدی در شناسایی بنده و برادرم فرامرز، که با ایشان هم‌رشته بودند، قرار شد روز بعد با استاد دکتر حکمتیار، که معاون دانشگاه و رئیس دانشکده داروسازی بودند، ملاقات و با ایشان صحبت کنم. صبح روز بعد با استاد حکمتیار در دفتر ایشان در دانشگاه ملاقات کردم و ایشان گفتند که استاد فارماکونوزی ما، آقای دکتر صمصام شریعت، برای استفاده از فرصت مطالعاتی به آمریکا عزیمت کرده و لذا من می‌توانم بلافاصله مشغول کار شوم و در ترم بعد تدریس گیاهان دارویی و فارماکونوزی را شروع کنم. این بود که بنده آپارتمان کوچکی در مرکز شهر حوالی خیابان چهارباغ اجاره کردم و مستقر شدم و حتی توانستم در تابستان، دوره اول خدمت سربازی را انجام دهم.

به هرحال سرنوشت این طور رقم زد که من در طی تابستان، دوره سربازی را در پادگان فرح‌آباد تهران بگذرانم و بعد از ۲ سال که عازم تهران بودم با خانمم که دانشجوی داروسازی و از خانواده بسیار اصیل اصفهانی بودند آشنا شوم و در اوایل سال ۱۳۵۳ با ایشان ازدواج کنم. اقامت مورد نظر ۲ساله اینجانب در اصفهان در حال حاضر به ۵۲ سال رسیده و فقط خداوند سبحان می‌داند که تا چه زمانی به طول خواهد کشید» (تصویر ۵).

«در طی این مدت فرزند اولم هادی در سال ۱۳۵۶ در سفر مطالعاتی و تدریسی که به آلمان داشتیم در شهر ماربورگ به دنیا آمد و هاله دخترم نیز در سال ۱۳۶۰ در اصفهان متولد شد. بنده در سال ۱۳۸۱ بعد از ۳۱ سال خدمت در دانشگاه بازنشسته و از آن سال به بعد در کنار دوست و یار بسیار

روز احساس می‌کنم. از خداوند منان سپاسگزارم که به حقیر عمر طولانی عطا فرموده و توفیق خدمتگذاری به ملت بزرگ و شریف ایران را عنایت کرده است».

عزیزم، دکتر صمصام و همکاران دانشگاهی دکتر فلامرزبان، دکتر قفقازی و دکتر ضیاء در شرکت داروسازی گیاهی گل‌دارو مشغول به کار هستم و متأسفانه مفارقت دکتر صمصام را هر



تصویر ۵. تصویری از جشنی که دانشجویان داروسازی (مرحوم دکتر یقینی در کنار استاد) به مناسبت ازدواج دکتر معطر و همسرشان دکتر بانو ریاضیات، دانشجوی داروسازی، در تالار دانشکده داروسازی اصفهان ترتیب داده‌اند (۱۳۵۳ ش)

شیوه آموزش استاد معطر

درس گیاهان دارویی که معمولاً در نیمسال‌های ابتدایی تحصیل داروسازی (نیمسال سوم و در فصل بهار) ارائه می‌شود، شروع آشنایی دانشجویان داروسازی با مباحث داروهای طبیعی و فارماکولوژی است. باید اذعان کرد که به همان میزان که درس عملی گیاهان دارویی (گیاه‌شناسی دارویی) مرحوم استاد دکتر سید هادی صمصام شریعت در اصفهان منحصربه‌فرد و در ذهن دانشجویان داروسازی ماندگار بود (۶)، تدریس نظری درس گیاهان دارویی استاد معطر نیز منحصربه‌فرد بود. به‌منظور بررسی سرفصل‌های ارائه درس، متن تدریس یک گیاه دارویی از جزوه دوران دانشجویی داروسازی در تصویر ۶ آمده است.

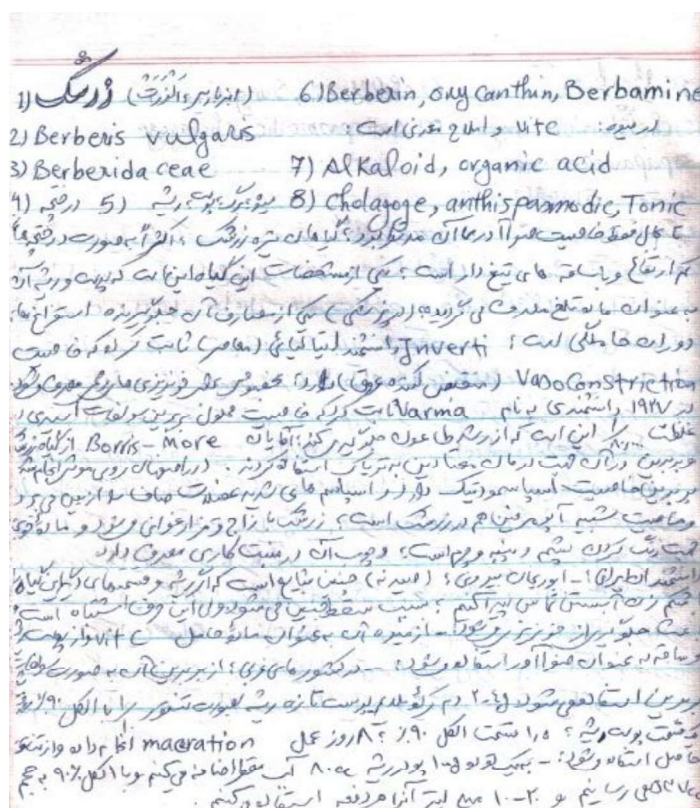
به‌طور کلی درس گیاهان دارویی به دو شیوه در کشور تدریس می‌شود. در شیوه اول اساس و تأکید بر گیاه‌شناسی و سپس ذکر گیاهان دارویی براساس خانواده‌های گیاهی است؛

مانند سبک کتاب گیاهان دارویی مرحوم دکتر علی زرگری و براساس دسته‌بندی بیماری‌ها و سپس پرداختن به اثرات درمانی گیاهان دارویی در کنار پرداختن به گیاه‌شناسی گیاه مربوطه، مانند سبک کتب گیاه‌درمانی رایج اروپایی. استاد دکتر فربرز معطر به شیوه دوم تدریس می‌کردند.

در شروع درس نظری، ابتدا استاد به‌اجمال به تاریخچه استفاده از گیاهان دارویی و داروسازی می‌پرداختند. نگاه تاریخی استاد به تاریخ داروسازی بسیار جذاب و جالب‌توجه و برای دانشجو بسیار جامع بود (۴). استاد سخن را با این جمله شروع می‌کردند که «بشر از روزی که خود را شناخت با درد و رنج همراه بود و گیاه اولین وسیله برای التیام زخم‌ها و جراحات او بود» سپس استاد روند تاریخ داروسازی را با توالی مباحث زیر بیان می‌کردند: آشنایی بشر با آثار گیاهان؛ تجربه و خطای بشر و یافتن اثرات دارویی گیاهان و سموم؛ غنی شدن دانش گیاهان دارویی در تمدن‌هایی مانند مصر، ایران، آشور،

تحت شعاع قرار گرفتن معنویت و انسانیت در سایه افزایش تولید ترکیبات شیمیایی؛ سوءاستفاده از ترکیبات شیمیایی و در دهه ۱۹۶۰ فاجعه‌های عظیم دارویی؛ نمایان شدن عوارض جانبی روزافزون؛ ورود مجدد گیاهان دارویی و اقبال مردمی به استفاده از عصاره‌های تام به جای ترکیبات خالص و به صورت اشکال نوین دارویی به خصوص به دلیل عوارض جانبی اندک و برای شیوع بیماری‌های بدون درمان و یا بدون درمان رضایت‌بخش.

هند، چین و یونان؛ انتقال نگارش‌های دانشمندان مسلمان از جمله رازی، ابن سینا و علی بن عباس به اروپا؛ شکل‌گیری رنسانس و در پی آن نام‌گذاری گیاهان توسط لینه؛ شناسایی ترکیبات مؤثر گیاهان در لابراتوارهای خصوصی داروسازان در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی؛ ورود شیمی‌دان‌ها به واحدهای صنعتی و شناسایی ترکیبات و سنتز ترکیبات؛ حجم زیاد عرضه ترکیبات سنتز شده؛ افول استفاده از گیاهان دارویی و هم‌زمان



تصویر ۶. معرفی گیاه دارویی زرشک توسط استاد معطر در درس نظری گیاهان دارویی (جزوه درسی نگارنده، سال ۱۳۶۸ ش)

- داروهای خلط‌آور و برطرف‌کننده عوارض اندام تنفسی؛
- داروهای آرام‌بخش قلب و اعصاب؛
- داروهای مدر و دافع سنگ‌های مجاری ادراری؛
- داروهای پایین‌آورنده قند و فشارخون؛
- داروهای مقوی معده؛ بادشکن و ضد دل‌درد؛
- داروهای صفرا‌آور و مقوی کبد؛
- داروهای ناراحتی‌های پوستی و عوارض کبدی؛
- داروهای ضدانگل؛
- داروهای ملین و مسهل (مان‌های ایران)؛

در قسمت گیاه‌شناسی درس، استاد به اهمیت اقلیم ایران از نظر گستره گیاه‌شناسی، خانواده‌های گیاهی، تاریخچه علم سیستماتیک گیاهی و شیوه نام‌گذاری لینه و تأکید بر نام علمی و الگو و قواعد زبان لاتین می‌پرداختند. سپس استاد به موضوع ترکیبات مؤثر و مهم‌ترین دسته ترکیبات تشکیل‌دهنده گیاهان دارویی به اجمال اشاره می‌کردند. در ادامه روش‌های ساخت ساده داروها به شیوه سنتی و نیز شیوه‌های اروپایی، ساخت داروهای گیاهی ارائه می‌شد. به طور کلی فهرست دسته‌های گیاهان دارویی تا پایان نیمسال ارائه درس عبارت بودند از:

دانشجویان می‌شد درحالی‌که به‌طور مرسوم، تدریس بیشتر دروس منحصر بر اساس متون مرجع غربی بود.

• دوز مصرف و اشکال سنتی و امروزی و فرمولاسیون‌های ترکیبی اروپایی یا سنتی مربوطه و علت استفاده از تک‌تک اجزا در فرمولاسیون.

این روند یعنی ذکر ۸ مورد لازم در خصوص هر گیاه دارویی از نام عمومی گیاه تا اثرات و عوارض آنها تا پایان نیمسال ادامه می‌یافت.

استاد دکتر قنادی در خصوص فضای تدریس دروس نظری و عملی گیاهان دارویی ذکر می‌کنند: «اتلاف بسیار موزون و قشنگی در درس گیاهان دارویی در اصفهان پدید آمده بود که در زمان خودش و حتی حال حاضر از بهترین سبک‌های تدریس گیاهان دارویی در رشته داروسازی محسوب می‌شود. بخش عملی و بخش تئوری: بخش عملی با تأکید بر اسامی گیاهان و مشخصات گیاه‌شناسی آنها و کلکسیون‌های انواع مختلف کارهای عملی که همه باید توسط دانشجو انجام می‌شد و بخش تئوری: با تقسیم‌بندی گیاهان دارویی بر اساس عملکرد آنها. مهم‌تر از آن، بخش عملی با سختگیری‌ها و قانونمندی‌های جناب دکتر صمصام شریعت، که هنوز به رحمت خدا رفتن ایشان را باور ندارم، و بخش تئوری با ساده‌تر گرفتن و با انعطاف‌پذیری اصول درس و تکلیف و مانند آن انجام می‌شد».

ایجاد انگیزه در یادگیری، خودباوری، شناسایی ظرفیت‌های نهفته گیاهان دارویی و به تبع آن ایجاد انگیزه برای شناسایی جای‌جای این مرزوبوم کهن به دانشجویان، مواردی بودند که استاد با درایت بسیار در لابه‌لای تدریس اشاره می‌کردند. ایجاد عشق و اعتماد به نفس در دانشجو با فن بیان اختصاصی استاد، شامل لحن طنزآمیز و محبت‌آفرین و ارائه مباحث کاربردی از دانش رایج غربی یا سنتی ایرانی، سبب یکپارچگی توأم با احترام هر دو گونه نگاه علمی در ذهن دانشجو می‌شد. نمونه‌ای از کارهای ذوقی متأثر از فضای محبت‌آمیز تدریس استاد در قالب شعر یک دانشجو در وصف دسته گیاهان دارویی مؤثر بر کبد در زیر آمده است:

• داروهای ملین و مسهل آنتراکینونی؛

• داروهای ضد درد و مسکن؛

• داروهای متفرقه؛

• اصول نسخه‌نویسی.

همچنین در مورد هر گیاه دارویی مؤثر بر بیماری‌های فوق تقریباً به‌طور منظم به موارد زیر اشاره می‌شد:

• نام‌های گیاه: فارسی، سنتی و انگلیسی

• نام علمی، خانواده، معرفی اجمالی گیاه‌شناسی و رویشگاه در ایران و ارائه تصویر گیاه. اهمیت و توجه به تأثیر اقلیم و رویشگاه گیاهان بر خاصیت گیاه مربوطه. در این زمینه استاد تلاش وافر داشتند تا با معرفی گیاه در محیط اطراف و در فصل ارائه درس، یعنی فصل بهار و رویش گیاهان، علاقه دانشجویان را به گیاه مورد نظر برانگیزانند و طبیعتاً شیوه تدریس مرحوم استاد صمصام شریعت در درس عملی مکمل کارآمدی برای این بخش از درس نظری بود و دانشجو را عملاً با محیط اطراف آشنا می‌کرد.

• اشاره به کاربردهای درمانی گیاه دارویی در بیماری‌های بدون درمان یا بدون درمان رضایت‌بخش.

• اشاره گذرا به دسته ترکیبات اصلی شناخته‌شده گیاه دارویی به همراه ترسیم ساختمان کلی آنها و وعده پرداختن مفصل‌تر به ساختمان شیمیایی در دروس فارماکولوژی.

• ذکر کاربردهای ادویه‌ای، غذایی و آرایشی و بهداشتی با مثال‌های قابل لمس و کاملاً کاربردی. استاد به‌صورت مکرر از کتب گیاه‌درمانی آلمانی و انگلیسی‌زبانی که در کلاس به همراه می‌آوردند شاهد مثال می‌آوردند.

• اشاره مکرر به تحقیقات انجام‌شده گروه فارماکولوژی اصفهان در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی و داروهایی که از این تحقیقات برآمده یا در کشور در حال تولید است. این موضوع سبب جلب دانشجویان به پژوهش در حوزه گیاهان دارویی و نیز بالابردن اعتماد به نفس دانشجو می‌شد.

• اشاره به متون اصیل طب سنتی و یادکرد با احترام و حیرت از نگاشته‌های دانشمندان دوره تمدن اسلام و ایران. مقایسه و برابری این یافته‌ها با نتایج مشابهی که در مطالعات بالینی غربی آمده است. این موضوع سبب ایجاد اشتیاق و انگیزه در

تقویت کن این کَید
از زرشک و شیردندان
تا که مامیران و نعناع
کُلْهم ایضاً کورکوما
صفره آور بی کَید
کَسَنه با رجس و زَید
باشد اندر این سَید
نسخه استاد معطر تا آید

شاگردپروری

رابطه وجودی پدر و فرزندی در روابط روحانی انسان نیز وجود دارد. لذا کسی که به دیگری تعلیم می‌دهد و شاگردی را تربیت می‌کند در حقیقت او را فرزند معنوی خود قرار داده است. لذا استاد علاوه بر پدر ظاهری، پدر معنوی دانشجویست (۷). به‌طور کلی الگوی شاگردپروری در قالب مروری بر مستندات و مصاحبه‌های انجام‌شده در خصوص استاد معطر را می‌توان در این عناوین مورد تحلیل قرارداد: الگوی جذب دانشجو؛ اعتماد به دانشجو و القای اعتماد به نفس در دانشجو؛ مهربانی، خیرخواهی و عشق به دانشجو؛ صبوری در تنش‌ها و آموزش عملی حفظ شئون دانشگاه؛ آموزش عملی احترام به استادان، دانشجویان و کارکنان؛ عملیاتی‌کردن نتایج تحقیقات در عرصه تولید.

• الگوی جذب دانشجو

یکی از مراحل اصلی شاگردپروری، مرحله مهم جذب برای گسترش ویژگی‌های استاد در قالب دانشجویست. در این رابطه الگوهای جذب مانند: ارائه افق بالاتر به دانشجو، بی‌اعتنایی و حتی دفع و سایر شیوه‌ها در منابع آمده است (۷). استاد معطر شهره به داشتن دانشجویان تزی فراوان و حتی دانشجویانی از دانشکده‌های دیگر بودند (تصویر ۷). این موضوع می‌تواند با وجود ایجاد مشکلات فراوان برای استاد سبب توسعه حیطه تخصص استاد و شکل‌گیری تدریجی فرهنگ آن رشته شود.

استاد قنادی در رابطه با فضای جذب دانشجویان به انجام تحقیقات توسط استاد می‌فرماید: «در عرصه‌هایی از دهه‌های ۵۰ و ۶۰، به‌تنهایی یک‌چهارم تزیهای دانشجویان دانشکده توسط این دو استاد بزرگوار (استاد معطر و مرحوم استاد دکتر صمصام شریعت) ارائه می‌شد؛ بی‌هیچ چشمداشت مالی و از قضا نکته‌اش همین بود».

همچنین ذکر خاطره زیر از نگارنده متن خالی از لطف نیست: «در محضر استاد بودم و دانشجویی مراجعه و تقاضای ترجمه شیوه تهیه یا آنالیز یک دارو را از زبان آلمانی کرد. استاد با متانت از ایشان خواست تا بنشیند و شروع به ترجمه کرد. در میانه کار استاد متوجه شدند که متن مرتبط با مباحث شیمی دارویی است نه فارماکونوزی لذا فرمودند که این موضوع که ارتباطی با اینجانب ندارد. دانشجو گفت که بله می‌دانم و این را برای انجام کار تحقیقاتی در گروه مربوطه می‌خواهم. بدون کوچک‌ترین دلخوری یا اخم استاد به ترجمه ادامه دادند». از این خاطره کوچک می‌توان جذب همه‌گونه دانشجو را ملاحظه کرد. در زمان حضور استاد، در اتاق ایشان همیشه باز بود و ایشان با رویی گشاده به همه مراجعه‌کنندگان پاسخ می‌دادند. راهنمایی همه دانشجویان بدون استثنا و بدون توجه به وضعیت درسی دانشجو یا هرگونه پیش‌فرض ذهنی از دانشجو، از دیگر شیوه‌های جذب دانشجو بود و همه می‌دانیم که کار با دانشجویی احیاناً ضعیف به چه میزان می‌تواند سبب زحمت برای استاد شده و گاهی سبب آبروبری از او شود.

• اعتماد به دانشجو و القای اعتماد به نفس در دانشجو

برای شاهد مثال اعتماد بخشی به دانشجو ذکر خاطره‌ای از استاد دکتر قنادی خالی از لطف نیست: «امتحان میان‌ترم درس تئوری گیاهان دارویی را در بهار ۱۳۶۴ دادم و اولین نفری بودم که برگه امتحانی خود را تحویل استاد دادم. با نگاهی توأم با مهر و تشویق برگه را گرفتند. نمرات چند روز بعد اعلام شد و روبه‌روی نام من غیبت خورده بود. سراسیمه و ترسان و هم‌زمان خجل نزد ایشان رفتم؛ به اتفاقی که مملو بود از رایحه‌های مختلف گیاهان دارویی تازه و خشک‌شده متعددی که حاصل تلاش ایشان و دانشجویان‌شان در طول ایام بود. مطلب را با ایشان در میان گذاشتم و نشانی هم دادم که اولین فردی بودم که برگه امتحان را تحویل دادم. پرسیدند امتحان را چگونه دادید و من گفتم عالی. گفتند که بررسی می‌کنم. نمره ۱۸ اعلام شد یک روز بعد، این اعتماد و حسن نظر یک دنیا ارزش داشت برایم و دلیلی شد برای تلاش بیشتر در

طراز اول آن دوره که برای خودشان ابهتی داشتند. این حس، هنوز با من است که توانستم در این درس رتبه اول را کسب کنم».

فراگیری درس ایشان. پایان سال، بهترین نمره کلاس را از درس گیاهان دارویی کسب کردم آن هم با وجود حضور دانشجویان



تصویر ۷. استاد معطر در کنار دانشجویان داروسازی و در اتاق شخصی در دانشکده داروسازی اصفهان

ارزشمندترین و تأثیرگذارترین شکل ایجاد اعتماد به نفس در دانشجو، ظهور در رفتار و منش خود استاد است. روح این موضوع را می توان در خاطره ای که استاد معطر از همکار مرحومشان، استاد صمصام شریعت، نقل کرده اند ملاحظه کرد: «در اواخر دهه شصت شمسی، دو نفر از فرزندان عزیز و فارغ التحصیل، آقایان دکتر محمدرضا شمس اردکانی و دکتر محمود مصدق، که سال ها بدون صدا و تظاهر در جبهه های مختلف دفاع مقدس جان فشانی کرده بودند، با زحمت و تلاش فراوان دانشکده داروسازی دانشگاه کرمان را تأسیس و راه اندازی کرده و از استاد صمصام و بنده دعوت کرده بودند که دروس گیاهان دارویی و فارماکولوژی، شیمی گیاهی و داروهای بیولوژی را برای دانشجویان آن دانشکده تدریس کنیم. ما در اواخر هفته با هم عازم کرمان می شدیم و تمام روزهای پنجشنبه و جمعه را در کلاس های مختلف به تدریس این دروس می پرداختیم و با توجه به علاقه خاص دکتر صمصام به برنامه های آزمایشگاهی و به همت ایشان و تلاش

یکی از ویژگی های مهم استاد معطر نگاه همراه با حیرت او به سخنان هر چند غیر تخصصی- دانشجویان در زمینه گیاهان دارویی بود. استاد خود را در حد نگاه دانشجو پایین می آوردند و این موضوع سبب القای اعتماد به نفس در دانشجو می شد. همچنین با توجه به علاقه و قابلیت های دانشجو، استاد او را به سوی کارهای بیشتر و افق های جدیدتر راهنمایی می کردند. نگارنده به یاد می آورد: «در حال و هوای عصر دانشکده داروسازی اصفهان برای گرفتن راهنمایی پایان نامه عمومی به خدمت استاد رسیدم. استاد پس از شنیدن مراحل از پایان نامه که انجام داده بودم، راهنمایی هایی کردند. سپس فرمودند چرا شما تخصص شرکت نمی کنید و من هم گفتم نمی دانم قبول می شوم یا نه. ایشان به دانشجویی در کنار خود اشاره کردند و با حالتی همراه با مزاح فرمودند ایشان چند بار شرکت کرده اند و رد شده اند فو قش رد شوی طوری نمی شود. این موضوع سبب ساده گیری در شرکت در آزمون آن سال و قبولی با بهترین رتبه شد».

عزیزان، دکتر شمس اردکانی و دکتر مصدق، یک آزمایشگاه مجهز میکروسکوپی برای گیاهان دارویی و گرده‌شناسی و آزمایشگاهی هم برای فارماکونگوزی عملی و برای آزمایش‌ها فیتوشیمیایی در آن دانشکده احداث شد و استاد صمصام شخصاً این آزمایشگاه را هم اداره می‌کردند. با توجه به علاقه دانشجویان، گردش علمی گیاه‌شناسی هم در اطراف کرمان انجام شد و گیاهان را در وضعیت طبیعی آنها برای دانشجویان معرفی می‌کردیم (تصویر ۸).

به یاد دارم که در یکی از این سفرها گذرمان به یک دره خیلی سرسبز و فلور بسیار غنی گیاهی افتاد و استاد صمصام اظهار تمایل کرد که حتماً داخل این دره شویم و از گیاهان دارویی آنجا تصویر بگیریم و نمونه‌برداری برای تشکیل هرباریوم برای دانشکده کنیم (تصویر ۹). راننده مینی‌بوس ما را از رفتن به داخل دره بر حذر و اظهار کردند که این دره محل رفت‌وآمد قاچاقچیان مسلح و بسیار خطرناک است و سابقه قتل و ربودن افراد زیادی در اینجا وجود دارد. به تبع دانشجویان هم با خجالت از آمدن به داخل دره خودداری و ابا کردند، اما استاد صمصام اصرار داشت که حتماً تا اینجا که آمده‌ایم باید از گیاهان این دره زیبا هم نمونه‌برداری کنیم و بر این نظر بودند که چون ورود به این دره خطرناک است افراد به اینجا تردد نکرده‌اند، فلور گیاهی آن کاملاً دست‌نخورده و بکر است. بنده چون نمی‌خواستم استاد را تنها بگذارم با ایشان پای پیاده داخل دره شدیم. در بین راه به استاد گفتم دکتر جان چه اصراری بود که داخل این دره خطرناک شویم و اگر واقعاً گرفتار قاچاقچی‌ها شدیم چه وضعیتی پیدا می‌کنیم؟ جواب دکتر صمصام را تا زنده باشم فراموش نمی‌کنم. گفت بین دکتر معطر ما معلم هستیم و وظیفه و هدف اصلی، آموختن برای آموزش دادن است. ما باید به دانشجویان خود یاد دهیم که برای انجام وظیفه و نیل به هدف از هیچ مانع نباید هراس داشته باشیم. قاچاقچیان هم در اصل انسان هستند و آنها هم دارای خانواده‌اند که مسلماً در بین آنها دانشجو هم خواهد بود. آنها وقتی متوجه شوند که ما معلم ساده دانشگاه و اهل تحقیق

هستیم مسلماً به ما کاری نخواهند داشت، اما حتی اگر نادان و ناآگاه باشند و به ما صدمه جانی هم بزنند ابایی نیست؛ زیرا ما در راه انجام وظیفه و هدفمان جانمان را از دست داده‌ایم و این خود بزرگ‌ترین سعادت برای یک انسان است. مگر نشینده‌ای که می‌گویند:

سر که نه در راه عزیزان بود
بار گرانی است کشیدن به دوش

بالاخره با جمع‌آوری تعداد قابل‌توجهی از گیاهان بسیار جالب دارویی و بعضاً شناخته‌نشده نزد دانشجویان برگشتیم و هیچ خطری هم برایمان پیش نیامد و این موضوع انعکاس زیادی پیدا کرد و موجب احترام برای استادان دانشکده نوبنیاد داروسازی کرمان شد.

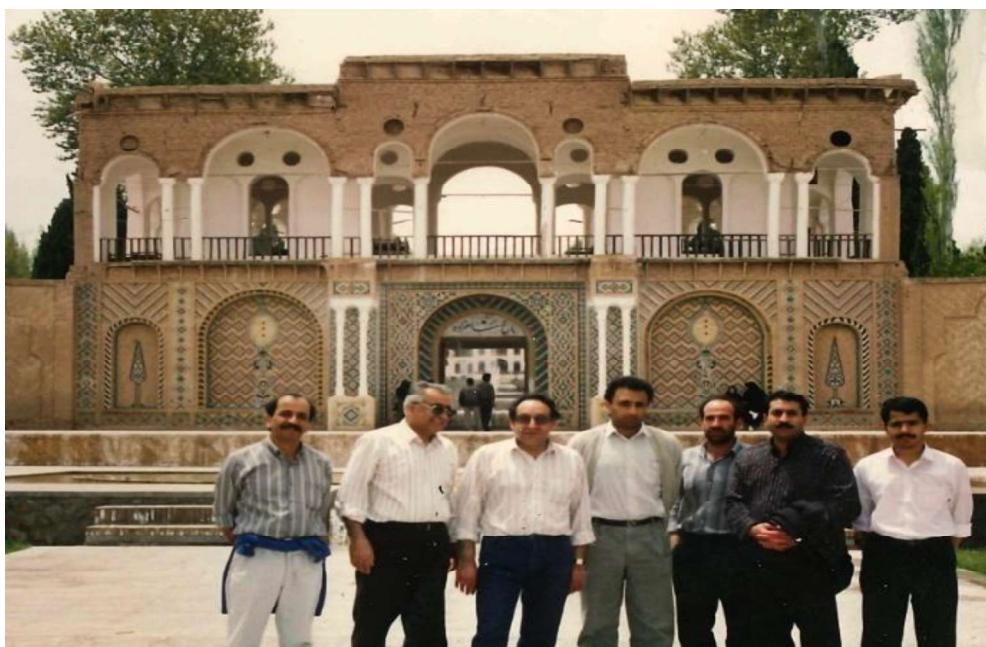
القای اعتماد به نفس در دانشجو قدرتی را در او ایجاد می‌کند تا زیر بار مسئولیت‌های خطیر برود و هیچ بن‌بستی برای او معنا نداشته باشد (۷).

• مهربانی، خیرخواهی و عشق به دانشجو

به نظر نمی‌آید دانشجویی خشم استاد را در دوران دانشجویی دیده باشد. استاد همراه با ناراحتی دانشجو ناراحت و با خوشحالی او خوشحال می‌شدند. همگان به خاطر دارند که استاد از شنیدن خبر آسیب به دانشجوی سابق یا فوت او چقدر آن روز فسرده بودند.

استاد دکتر احمد امامی در خصوص خلق و خوی استاد معطر می‌فرمایند: «عزیزانی که با استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر فریبرز معطر انس و الفتی داشته‌اند به‌خوبی می‌دانند که جناب ایشان محضری گرم و بیانی شیرین دارند که گهگاه طنزی به‌جا و نمکین چاشنی کلامشان شده و موجب بهجت اشخاص حاضر در محفل می‌شود».

کسی به یاد ندارد که استاد در مقابل دانشجویان از مشکلات شخصی یا کاریشان گله کرده باشند. در عین متور بودن دنبال نوجه‌پروری نبودند و نتیجه آن الگوبرداری مستقیم یا غیرمستقیم دانشجو و افزایش علاقه به ادامه فعالیت در حیطه تخصصی استاد بود. گهگاه نیز استاد از خودشان



تصویر ۸. استاد معطر در کنار استاد مرحوم دکتر صمصام شریعت و استاد نصرالله قاسمی دهکردی در برنامه آموزشی دانشجویان داروسازی کرمان (سال ۱۳۶۹)



تصویر ۹. استاد معطر در کنار استاد مرحوم دکتر صمصام شریعت در گردش علمی منطقه کرمان

دستیاران در وصف استاد تدارک شد، قرار گذاشتیم که ابتدا خدمت استاد برسیم و در صورت تأیید ایشان در مجله دانشجویی کیمیا چاپ شود. کمتر استادی را می توانستیم در آن زمان بیابیم که هنگام مواجه شدن با متن طنزگونه در خصوص

فراموشی عمدی نشان می دادند تا دانشجویان خیالشان از فراموش شدن رفتار غیرعادی و احیاناً ناجورشان راحت باشد. نگارنده یاد دارد زمانی که متنی طنزگونه در سبک و سیاق تذکره اولیای عطار نیشابوری توسط گروهی از دانشجویان و

خود این گونه برخورد کند. هنگام قرائت متن در برخی قسمت‌ها که از زبان حال استاد سخن گفته شده بود، استاد می‌فرمودند «زنده باشید» و در پایان هم بدون کمترین شکایت یا اخمی فرمودند که متن یک شاهکار ادبی است و اجازه انتشار دادند.

عشق به گیاهان دارویی و طبیعت را با ذکر مداومی از خالق هستی به دانشجو نشان می‌دادند. این گونه برخوردها سبب شکل‌گیری ارتباطی حبی بین دانشجو و استاد می‌شود و از طرفی سبب توسعه وجودی خود استاد شده و او را متعالی‌تر می‌کند (۷). اوج عشق میان استاد و دانشجو را می‌توان در میان کلام استاد فرهیخته، دکتر غلامرضا اصغری یافت: «استاد علم و اخلاق ما، آقای دکتر فریبرز معطر، استاد عارفی که عشق به طبیعت و مولای علی (ع) در هر کلاس درس را برای دانشجویان متبلور می‌کرد، در معرفی هر گیاه احسن‌الخالقین را به روح و روان تجلی می‌بخشید و طنین کلامش در وصف حضرت امیر (ع) قلب‌ها را خاشع می‌کرد و ولایت علوی را با ولایت الهی در خلقت و طبیعت به نمایش می‌گذاشت. بزرگ‌مردی عارف که سلوکش با دانشجویان، عطر ایمان به رب‌العالمین را در فضای کلاس درس به تشنگان علم منتقل می‌کرد».

• صبوری در تنش‌ها و آموزش عملی حفظ شئون دانشگاه

جناب استاد دکتر محمود مصدق در خصوص منش استاد می‌فرمایند: «به‌خاطر دارم که ورود من به دانشگاه هم‌زمان با شکل‌گیری انقلاب در کشور بود و جو حاکم بر دانشکده جوی کاملاً سیاسی آمیخته با هیجان بالا بود، آن‌قدر که هیجان بر عقلانیت می‌چربید؛ اگرچه صداقت و صف‌ناپذیری را در افراد با دیدگاه‌های مختلف به‌وضوح می‌شد دید. در این دوران هیجان، استاد معطر همیشه آرام و آرام‌بخش دیده می‌شدند و دانشجویان را به تفکر و اندیشه توصیه می‌کردند. ایشان همواره به دانشجویان متذکر می‌شدند که کشور برای استقلال و تعالی نیازمند دانشکده و دانشجویانی پویاست، اما پویایی توأمان با خردورزی است. استاد کلاس‌ها را با آیاتی از قرآن شروع می‌کردند و علاقه خاصی به سوره‌العصر داشتند. استاد علاوه بر انتقال دانش خویش به دانشجویان، آن هم بی‌منت، در انتقال

رفتار و اخلاق حسنه هم همواره کوشا بودند و درواقع الگویی بی‌نظیر برای دانشجویان بودند. در طول این چهل و اندی سال هرگز استاد را خسته از مطالعه و تحقیق و آموزش و هرگز اهل شکواییه و گله و غیبت ندیدم. ایشان همواره به آینده روشن‌بینانه و امیدوارانه نظر داشتند و این امید را به دیگران و به‌ویژه به دانشجویانشان انتقال می‌دادند. در اتاق استاد همواره به روی دانشجویان باز بود و صبورانه به صحبت‌های دانشجویان گوش می‌دادند. این صبوری و سعه صدر هر دانشجویی را شگفت‌زده می‌کرد. این‌ها همه از صفات استاد می‌باشد و اما این همه استاد معطر نیست؛ چون استاد معطر، استاد معطر است. پروردگارا، استاد معطر یکی از نعمات الهی تو به من بوده و هست و خواهد بود. باشد تا قدردان این نعمت باشم و با قدردانی شکرگزار نعمت استاد معطر باشم».

• آموزش عملی احترام به استادان، دانشجویان و کارکنان

یادکرد مستمر و با احترام از استادان هم‌زمانشان، مانند استاد ابوتراب نفیسی و استاد صمصام شریعت و سایرین، در سر کلاس و به‌صورت گاه‌وبیگاه تأثیر عمیقی بر دانشجویان داشت (تصویر ۱۰). استاد معطر بی‌دریغ هر چه داشت به دانشجو می‌داد و هنگامی که دانشجو به مقام استادی می‌رسید و در نتیجه دانسته‌هایش، که طبیعتاً در راستای آموزه‌های استادانش هستند، احیاناً مغرور می‌شد در برخورد با همکاری که روزگاری دانشجویش بوده صبور بود؛ درست مانند برخورد پدر نسبت به فرزند بالنده و مغرورش.

• عملیاتی کردن نتایج تحقیقات در عرصه تولید

استاد به‌صورت مداوم به دنبال عملی کردن یافته‌های آزمایشگاهی و تولید فرآورده‌های دارویی بودند و این رویه سبب آشنایی مستمر دانشجو با مشکلات فراوان مسیر ایده علمی تا عمل بود و او را در برخورد با حوادث، آبدیده و قوی می‌کرد و شرح صدر او را گسترش می‌داد.

عابدینی ذکر می‌کند: «شاگرد و دانشجو امتداد وجودی استادند و از زبان او سخن می‌گویند. نیازهای اولیه شاگردپروری را می‌توان تواضع، شرح صدر، صبر، رحمت و سخاوت دانست. از طرفی استاد با شاگردپروری به جایی می‌رسد

انجام می‌دهد و در نتیجه سبب رشد و کمال خود می‌شود» (۷).

که وقت‌گذاری را برای دانشجو نه از روی اجبار، بلکه با اشتیاق



تصویر ۱۰. استاد معطر در کنار استادان مرحوم دکتر نجم‌آبادی، دکتر نفیسی و دکتر امامی میبدی (کرمان: حاشیه همایش بزرگداشت محمدبن زکریای رازی و روز داروساز)

لحظات حساس محیط کاری شود. برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های تعاملی استاد معطر با همکاران برگرفته از خاطرات ایشان و همکاران سابقشان عبارت‌اند از: احترام به همکاران و استادان جوان؛ تاب‌آوری در برابر بی‌حرمتی به فعالیت در زمینه گیاهان دارویی؛ رویی گشاده نسبت به ورود همکاران به حیطه علمی ایشان؛ پرهیز از غیبت همکاران و خوش‌بینی مستمر؛ سنگ‌صبور بودن برای همکاران دانشگاهی و حفظ مقررات دانشگاه.

• احترام به همکاران و استادان جوان

رفتار و تعاملات دکتر معطر نسبت به دانشجوی سابق که اکنون همکار اوست در حد همکار دانشگاهی ارتقا می‌یافت. برای نمونه نظر استاد پیشکسوت، دکتر قاسمی دهکردی، در رابطه با اخلاق و تعامل استاد معطر مرور می‌شود: «دکتر معطر فردی مهربان و دوست‌نزدیک بودند، نه فقط همکار. ایشان در صورتی که فرصت می‌کردند در جمع‌آوری گیاهان در اطراف اصفهان با من همراه می‌شدند و حین سفر لطیفه می‌گفتند و ساعات شادی‌افزایی داشتیم و نسبت به همه اخلاق خیلی

تعامل و نوع رابطه با همکاران دانشگاهی

به‌طور کلی الگوی فعالیت استاد در گروه‌های آموزشی دنیا به دو گونه است؛ یا گروه صرفاً تحت نظر یک استاد فعالیت می‌کند و سایر همکاران تا هر زمان استاد در جایگاهش حضور دارد اجازه استادشدن ندارند و طبیعتاً کار برای استاد پیشکسوت زیاد سخت نیست یا گروه متشکل از استادان متعددی است و جایگاه کاری و مدیریتی استادان پیشکسوت و جوان کمابیش مشابه یکدیگر است که در این صورت تعاملات کاری برای استاد پیشکسوت به‌سادگی الگوی اول نیست. در ساختار دانشگاه‌های ایران، الگوی دوم اجرا می‌شود. تعارضات خواسته یا ناخواسته منافع بین استادان پیشکسوت و جوان که احتمالاً از شاگردان استادان نسل قبل‌اند می‌تواند در نتیجه آفت‌هایی مانند غیبت، سوءتفاهم، تعارض منافع و توقعات برآورده‌نشده سبب بروز انواعی از رفتارها از بی‌اعتنایی تا خشم و احیاناً رفتار غیردانشگاهی شود. مرور رفتار استادان پیشکسوت در تعاملات همکاران سابق می‌تواند سبب روشن‌شدن و در نتیجه تأکید بر رفتارهای مناسب و شایسته در

خوبی داشتند. بیشتر دوست بودند؛ هرچند که در بحث‌های علمی قدری تفاوت نظر وجود داشت، اما دکتر معطر به‌طور مستمر جوای علم بودند».

• تاب‌آوری در برابر بی‌حرمتی به فعالیت در زمینه

گیاهان دارویی

هرچند که نقد علمی صحیح و براساس شواهد از ملزومات هر محیط علمی است، اما تاب‌آوری در مقابل نامالیقات و مخالفت‌ها با حیطه تخصصی هر هیئت علمی نیاز به عزم راسخ او در دانش تخصصی‌اش و تاب‌آوری در مقابل سخنان افراد غیرمتخصص دارد. استاد معطر در این خصوص می‌فرمایند: «اینجانب با توجه به مطالعاتی که در دانشگاه ماربورگ بر روی آثار سید اسماعیل جرجانی انجام دادم و به‌تبع آن با آثار پزشکی رازی (حاوی و منصوری)، شیخ‌الرئیس (قانون)، ابومنصور موفق هروی (حقایق‌الدویه)، حکیم مومن (تحفه حکیم) و ... با دانش داروپزشکان بزرگ ایرانی آشنا شده و پیوسته علاقه‌مند بودم که از این منابع عظیم دانش مستند به طریق علمی و با معیارهای نوین بهره‌برداری کنم. لذا پس از پیوستن به دانشکده داروسازی اصفهان، آثار این بزرگان را در کتابخانه دانشکده داروسازی جمع‌آوری کردم و در اختیار دانشجویان و دانش‌پژوهان علاقه‌مند قرار دادم. درست به خاطر دارم که در آن زمان صحبت از طب سنتی و ایرانی یک ضدارزش محسوب می‌شد و حتی اکثر همکاران اصفهان آن را مسخره و به اصطلاح ریشخند می‌کردند. اما اینجانب با اعتقادی که به دانش این بزرگان و تجربیات عملی آنها داشتم کار بر روی این آثار را شروع و با همکاری دانشجویان علاقه‌مند دهه‌های ۵۰ و ۶۰ مطالعات گسترده‌ای را بر روی گیاهان دارویی مورد استفاده در درمان بیماری‌های مختلف آغاز کردم».

• روی گشاده نسبت به ورود همکاران به حیطه علمی

استاد

استاد روی گشاده نسبت به همکاران داشتند و گرچه هر فردی در وهله اول از ورود سایر همکاران به حیطه کاری‌اش به دلایل مختلف استقبال نمی‌کند، ایشان با گشاده‌رویی از ورود

سایر استادان حتی از گروه‌های دیگر یا استادانی که پیش‌تر خرده‌گیر فعالیت‌های ایشان در حیطه گیاهان دارویی و طب سنتی بودند و اکنون علاقه‌مند این حیطه علمی شده بودند، استقبال می‌کردند.

• پرهیز از غیبت همکاران و خوش‌بینی مستمر

نمونه‌ای از آثار نامناسب غیبت بر فضای روحی یک استاد و احیاناً آسیب‌های شدیدی را که بر روح و روان او به جا می‌گذارد می‌توان از میان خاطرات استاد معطر دریافت. برخورد مسئولانه ایشان در همراهی با همکار دانشگاهی و در شرایط آشفته‌گی روحی‌اش درس‌آموز است: «مرحوم دکتر صمصام با علاقه شدیدی که به تدریس و تحقیق داشت همیشه ساعات زیادی را در دانشکده و منزل به مطالعه و ترجمه و نگارش کتب مختلف درسی در زمینه گیاهان دارویی، فارماکولوژی، شیمی گیاهی و داروهای بیولوژی و ... می‌پرداخت و وقت زیادی را هم شخصاً برای آماده‌کردن آزمایشگاه‌های گیاهان دارویی (ماکروسکپی و میکروسکپی) و فارماکولوژی صرف می‌کرد. استاد افزون بر این، از همان زمان دانشجویی علاقه زیادی به بازی تنیس داشت و هفته‌ای دو روز در آجرهای وقت برای بازی تنیس می‌رفت و تا سطح قهرمانی استان هم در مسابقات ورزشی این رشته شرکت می‌کرد و برنده می‌شد. انجام این برنامه ورزشی برای دکتر صمصام اهمیت داشت و به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی آن را ترک نمی‌کرد و پیوسته انجام آن از اولویت‌های زندگی‌اش محسوب می‌شد. در این راستا عده‌ای از معاندان، که از اخلاق جدی و تسلیم‌ناپذیری استاد ناخشنود بودند، شایعه‌پراکنی کرده بودند که دکتر صمصام هفته‌ای دو روز تمام، دانشکده را ترک و به بازی تنیس می‌پردازد. بالاخره این موضوع به گوش استاد هم رسید و موجب ناراحتی شدید و تأسف قلبی ایشان شد. به‌طوری‌که به من گفت بین من تنها فرد از گروه‌های آموزشی دانشکده هستم که تمام ایام هفته تا دیروقت شب در دانشکده می‌مانم و به تحقیق و مطالعه و نگارش مشغول هستم و شاید هفته‌ای جمعاً فقط یکی‌دو ساعت از دانشکده خارج و باز هم به دانشکده بازمی‌گردم و به کارهایم ادامه می‌دهم. عجیب است

که این کارهای اضافی و ممتد من را کسی نمی‌خواهد ببیند و این چنین به‌دروغ شایعه‌پراکنی می‌کنند. واقعاً عجب دنیایی است و چه شده که مردم این چنین بی‌انصاف و دروغ‌پرداز شده‌اند. گفتم دکتر اصلاً ناراحت نباش و به قول معروف در دروازه را می‌توان بست، اما در دهان مردم نااهل را نمی‌توان بست. همه همکاران و دانشجویان از وضعیت و کیفیت کار و فعالیت و ماندن‌های تا دیروقت شما در دانشکده آگاه‌اند و به این شایعات توجهی ندارند. گفتم صرفاً برای این که برای مدیریت دانشگاه هم سوءتفاهم پیش نیامده باشد توصیه می‌کنم که خودت با رئیس دانشگاه در این مورد صحبت کنی. دو روز بعد دیدم که دکتر صمصام خیلی سرحال و خوشحال است و به من گفت من با توصیه شما با رئیس دانشگاه صحبت کردم و ایشان ذکر کردند که من کاملاً از وضع کار و فعالیت و علاقه‌مندی شما آگاه هستم و به مدیر گروه ورزشی دانشگاه دستور می‌دهم که بدون محدودیت، زمین تنیس دانشگاه را در اختیار شما بگذارد و شما هر وقت که خواستی می‌توانی بدون صرف وقت برای ایاب و ذهاب و هزینه برای اجاره زمین، در همین زمین دانشگاه به ورزش خود ادامه بدهی. دکتر ادامه داد که این واقعاً برای من بسیار ارزشمند و مناسب شده است. گفتم دکتر جان ببین با توجه به قلب پاک و نیت صالح و خیری که شما دارید خداوند سبحان هم برای خیر مقرر می‌فرماید و به قول معروف عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد».

• سنگ صبور همکاران دانشگاهی و حفظ مقررات دانشگاه

استاد، سنگ صبور همکاران در تنش‌های روحی به شکل همراهی کردن ابتدایی با فرد و آرام کردن همکار و رفع دل‌مشغولی تا پایان ماجرا بودند. برای نمونه به این خاطره استاد می‌توان اشاره کرد: «به یاد دارم در اوایل دهه ۶۰ شمسی، روزی پس از انجام تدریس در دانشکده، وقتی به اتاق مشترکی که با دکتر صمصام در دانشکده داشتیم برگشتم، برای اولین بار استاد را بسیار ناراحت و عصبانی دیدم که به قول معروف روی پای‌شان بند نبودند و مرتب در اتاق راه می‌رفتند و آرام نمی‌گرفتند. گفتم دکتر صمصام، چرا این قدر

ناراحت و نگرانی، چه موضوعی شما را این مقدار منقلب و عصبی کرده است. دکتر صمصام گفت من بیش از ۲۰ سال است که در دانشگاه تدریس می‌کنم و این موضوع را که امروز برایم پیش آمده تا به حال ندیده و تجربه نکرده بودم. گفتم راستی موضوع چیست؟ گفت امروز برای بچه‌های سال چهارم، امتحان شیمی گیاهی بین ترم را برگزار می‌کردم و مطابق معمول خودم به‌تنهایی جلسه امتحان را اداره می‌کردم. یک‌مرتبه مشاهده کردم که یکی از دانشجویان در آخر کلاس از روی یک یادداشت تقلب می‌کند. به‌آهستگی کنارش رفتم و خواستم که یادداشت را بگیرم که یک‌مرتبه دانشجو کاغذ یادداشت را داخل دهان کرد و کمی جوید و قورت داد. مدت کوتاهی از این حرکت ناگهانی دانشجو واقعاً شوکه شدم و خواستم که ورقه‌اش را تحویل دهم و از کلاس خارج شود، اما دانشجو گفت برای چه می‌خواهید ورقه من را بگیرید. گفتم مگر نه که داشتی تقلب می‌کردی. گفت آقای دکتر با چه دلیل و مدرکی می‌فرمایید که من تقلب می‌کرده‌ام. گفتم به علت استفاده از همان یادداشتی که قورت دادی. گفت کی می‌گویند، کی دیده است، شاهد شما چه کسی است. خلاصه دیدم الآن صدا بلند می‌شود و جلسه امتحان به هم می‌خورد و نه این که عده‌ای همیشه منتظر چنین اوضاعی هستند. لذا گفتم هر چه را بلدی بنویس تا ببینم چه کار باید کرد. خلاصه نمی‌دانم الآن چه باید کرد؛ چون طرف مثلاً رئیس یکی از انجمن‌های دانشکده هم هست و به قول معروف "لوله‌نگش خیلی آب بر می‌دارد". گفتم سید اصلاً ناراحت نباش. بالاخره اتفاقی است که افتاده و شما بسیار خوب عمل کرده‌ای. لطفاً خیلی پیگیرش نباش، من خودم انشاءالله برایت این مسئله را به نحو مطلوب حل خواهم کرد و به این ترتیب استاد را آرام کردم. درنهایت یک روز فرد مورد نظر را در راهروی دانشکده دیدم و گفتم بیا برویم بیرون دانشکده مطلب مهمی را می‌خواهم با شما در میان بگذارم. به هر حال بیرون رفتیم و به او گفتم ببین دکتر صمصام جریان امتحان را برای من تعریف کرده. تو خودت اخلاق این سید را می‌دانی که به هیچ وجه اهل مماشات و مصالحه نیست و مسلماً شما از این درس مردود خواهی شد و جلوی بچه‌ها و استادان این

موضوع برای شما و انجمن مناسب نیست و مسلماً اگر اعتراضی هم کنی و جریان به مدیریت دانشکده برسد آبروریزی بد و ناگواری پیش خواهد آمد. برای جلوگیری از همه این مسائل و علنی شدن موضوع، من راه حل خوبی پیشنهاد می‌کنم که به قول معروف نه سیخ بسوزد و نه کباب. دانشجو گفت استاد پیشنهاد شما چیست؟ گفتم توصیه می‌کنم شما این درس را حذف کنی و در ترم دیگری که این درس را تدریس می‌کنند دوبرتبه آن را بگیری و چون حتماً مطلب درس را هم بلد شده‌ای خیلی راحت و با نمره خیلی خوب این درس را پاس خواهی کرد و هیچ‌کس هم از اصل موضوع خبردار نخواهد شد. بالاخره دانشجو این راه حل را پسندید و به قول معروف به این ترتیب غائله ختم به خیر شد و استاد صمصام از ناراحتی بیرون آمد.

به درستی در این خاطره همراهی، آرام کردن استاد همکار، پیگیری موضوع و تعامل با دانشجوی خاطی و درعین حال اجرای مقررات و حفظ شئون دانشگاه در یک فضای آرام و آموزنده را می‌توان مشاهده کرد.

تنها سواد نیست که به آدمی برتری می‌دهد و او را مقبول خلق می‌کند، بلکه خوی آدمی و انسانیت و مردمی است که شخصیت استاد را در جامعه بالا می‌برد و سبب فضیلت می‌شود. مرحوم دکتر باستانی پاریزی از زبان مرحوم حبیب یغمایی، استاد شدن را این گونه بیان می‌کند (۱):

سهل است، ز هفت بر به هفتاد شدن

با گردش روزگار از یاد شدن

دشوار بود کز منش و خوی و ادب

فرخ شدن، انسان شدن، استاد شدن

میراث‌داری پیشینیان توأم با آینده‌نگری

نگاه احترام‌آمیز استاد به فرهنگ و تمدن سرزمینش سبب القای هویت در شاگردان و محیط دانشگاهی و زمینه‌ساز حرکت و تلاش مضاعف دانش‌آموخته برای سرزمینش و طبیعتاً دوراندیشی و آینده‌نگری در اوست. این موضوع را می‌توان به شرح زیر در مورد استاد معطر تحلیل نمود.

الف. نگاه احترام‌آمیز به میراث علمی دانشمندان اسلام و ایران
نگرش احترام‌آمیز استاد به دستاوردها و میراث علمی گذشتگان سرزمین فرهنگی‌اش را می‌توان در عناوین زیر خلاصه کرد:

- اعتماد به متون و دست‌نویس‌های مفاخر دوران تمدن اسلام و ایران

توجه ویژه به آثار پیشینیان همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، با اخذ پایان‌نامه استاد در آلمان با موضوع سید اسماعیل جرجانی و اثر بی‌بدیل او ذخیره خوارزمشاهی شروع شد و در کنار تلاش‌های استاد مرحوم دکتر محمدرضا محرری و با هدایت و مشارکت جدی دکتر معطر در تیم طراحی کنگره حکیم سید اسماعیل جرجانی توسط فرهنگستان علوم پزشکی در شهر گرگان (۱۳۸۱ ش) به اوج خود رسید و سبب توجه جامعه به این دانشمند فرهیخته شد. از سویی دیگر استاد توجه خاصی به سایر آثار پیشینیان از جمله آثار حکیم بوعلی سینا، عقیلی علوی شیرازی و موفق‌الدین هروی داشتند. آنالیز پایان‌نامه‌های تحت راهنمایی استاد معطر نشان می‌دهد که تعداد ۲۶ پایان‌نامه به‌طور مستقیم اختصاص به موضوع طب سنتی و بازنویسی کتب طبّی مفاخر تاریخ و تمدن ایران و اسلام داشته است.

مقایسه دستاوردهای علمی فرهیختگان تمدن اسلام و ایران با شواهد علمی روز مانند مطالعات بالینی و ترکیبات مؤثر گیاهان دارویی موجود در نسخه‌های پیشینیان و نیز گواه‌آوردن آرای همکاران دانشمند معاصر مانند استاد مرحوم دکتر ابوتراب نفیسی و مرحوم دکتر محمود نجم‌آبادی، نمونه‌ای از میراث‌داری یک استاد متعهد است. نتیجه چنین فعالیت‌هایی القای هویت، ایجاد اعتمادبه‌نفس در محیط و نترسیدن در کار علمی و بی‌مهابا کارکردن با متون سنتی است.

- احترام به داروشناسی بومی

اگرچه استاد پیشرو در زمینه داروشناسی بومی در اصفهان را باید استاد مرحوم دکتر صمصام شریعت دانست، اما استاد معطر دوشادوش استاد صمصام شریعت برخی پایان‌نامه‌ها را راهنمایی کرده‌اند. از تعداد ۲۱۹ مورد پایان‌نامه تحت راهنمایی

ب. آینده‌نگری و دوراندیشی

- ایمان به نقش‌آفرینی گیاهان دارویی در حل چالش‌های

حوزه درمان

نوع نگاه به تحقیقات در یک رشته تحصیلی، نشان‌دهنده عملکرد آینده آن حیطه و در نتیجه توانمندی دانش‌آموختگان آن است. هدف‌گیری تحقیقات استاد معطر و همکاران تیم تحقیقاتی‌شان در دانشکده‌های داروسازی و پزشکی، مبتنی بر تهیه دارو برای معضلات رایج پزشکی بوده است. آنالیز پایان‌نامه‌های تحت راهنمایی استاد نشان‌دهنده پژوهش بر طیفی از بیماری‌های بدون درمان یا بدون درمان رضایت‌بخش است (تصویر ۱۱)؛ برای نمونه به برخی موضوعات پایان‌نامه‌های تحت راهنمایی استاد اشاره می‌شود: ضدانگل؛ قارچ واژینال ۲ مورد؛ اگرما ۳ مورد؛ طاسی ۳ مورد؛ ضدنفخ ۲ مورد؛ کاهنده اشتها؛ ضدورم پروستات ۲ مورد؛ دیسمنوره؛ سنگ کیسه صفرا؛ ترک اعتیاد ۳ مورد؛ ضدصرع؛ افزاینده شیر مادران ۸ مورد؛ اشته‌آور؛ کچلی؛ آلرژی؛ هیرسوتیسم ۴ مورد؛ بیماری‌های دهان و دندان ۶ مورد؛ بی‌حسی موضعی؛ ضد فشارخون ۶ مورد؛ آرام‌بخش و خواب‌آور ۴ مورد؛ ضد آکنه ۳ مورد؛ شب‌اداری؛ رفع تشنگی؛ پایین‌آورنده چربی؛ قند و ضد دیابت ۸ مورد؛ برص ۷ مورد؛ ضدسرفه و سرماخوردگی؛ سوربازیس ۷ مورد؛ ضدسرطان ۲ مورد؛ هرپس؛ آسم ۲ مورد؛ میگرن ۲ مورد؛ و ضدسنگ کلیه ۱۲ مورد.

استاد معطر در خصوص فعالیت‌ها و همکاری در مطالعات بالینی می‌فرمایند: «به یاد دارم که استاد علامه و دانشمند متعالی، دکتر ابوتراب نفیسی، که از اکابر پزشکان اصفهان و بنیان‌گذار بخش قلب در دانشگاه اصفهان محسوب می‌شد و بسیار به طب ایرانی علاقه‌مند بود، در کلیه نسخی که می‌نوشت حتماً چند قلم گیاه دارویی را هم تجویز می‌کرد. بسیار در انجام بررسی‌های بالینی مساعدت می‌کرد و دانشجویان تری را برای انجام بررسی بالینی به همکاران مختلف معرفی و راهنمایی می‌نمود.

استاد، ۱۰ مورد به موضوع بررسی نمونه‌های گیاهان دارویی موجود در بازار گیاهان دارویی و ۹ مورد به موضوع جمع‌آوری باورهای مرتبط با داروشناسی بومی و بررسی مقدماتی فارماکوکینوزی نمونه‌ها اختصاص دارد.

- نگاه یکپارچه به تاریخ داروسازی

همان‌گونه که پیش‌تر در شیوه آموزش درس نظری گیاهان دارویی ذکر شد، استاد نگاه یکپارچه‌ای به تاریخ داروسازی داشتند و با قرائتی فراگیر، تاریخ داروسازی شرق شامل فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و تاریخ داروسازی نوین را در یک قاب توصیف می‌کردند. علاوه بر ریشه‌های هویتی خانوادگی، یکی از ریشه‌های این نگاه جامع را می‌توان در آموزه‌های استادان‌شان مانند پروفسور ردولف اشمیتس (Prof. Dr. R. Schmitz) استاد حکمت و تاریخ داروسازی دانشگاه ماربورگ در کشور آلمان به‌عنوان کشوری پیشرو در تولید ترکیبات خالص از یک سو و از سویی دیگر فعال در زمینه گیاه‌درمانی و داروهای طبیعی دانست.

- ساخت دارو براساس سنت

یکی از دغدغه‌های مستمر استاد، ساخت اشکال دارویی از گیاهان دارویی بود. گرچه شیوه اصلی ساخت داروها در ۶۹ مورد پایان‌نامه‌های تحت راهنمایی استاد به‌طور عمده تهیه عصاره به شیوه گیاه‌درمانی اروپایی است، اما استاد نگاه مستمری را با هدف امروزی‌کردن اشکال دارویی داشته‌اند؛ برای نمونه استاد در خصوص ساخت اشکال دارویی به شیوه سنتی به نقل از کتاب *الاعراض الطبییه و المباحث العلائیه* نگاشته سید اسماعیل جرجانی از گل سرخ، گل ارمنی، طباشیر و گل مختوم به‌عنوان اکسپان‌های قرص، صمغ عربی، صمغ پارسی و کتیرا به‌عنوان چسباننده و عصاره شیرین‌بیان و رُب به به‌عنوان طعم‌دهنده و لعاب اسفرزه و نشاسته به‌عنوان چسباننده و جلاب به‌عنوان حلال و مخلوط‌کننده جامدات یاد می‌کنند (۴). این نگاه ضمن ایجاد حس اعتماد به‌نفس در مخاطب و یادکرد احترام‌آمیز به دانش پیشینیان اشاره به مبحث ارزشمند اکسپان‌های طبیعی و سنتی است که امروزه مورد توجه بسیاری است.



تصویر ۱۱. جلد پایان‌نامه آقای عنایت‌الله ازلی، اولین پایان‌نامه به راهنمایی استاد معطر (اصفهان، شماره ۱۷۱، سال ۱۳۵۳)

از نتایج شکل‌گیری فضای پرشمار ترهای دانشجویان داروسازی توسط استاد معطر در حیطه‌های بالینی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ارتباط مستمر با استادان بالینی و بیماران و حتی حضور بیماران در دانشکده برای دریافت دارو که نتیجه آن کاربردی کردن تحقیقات گیاهان دارویی بود و تشویق و برشمردن نتایج تحقیقات بالینی گیاهان دارویی در کلاس‌های درس که سبب جلب دانشجویان به این حیطه می‌شد. در نتیجه این‌گونه پژوهش‌ها، حوزه بالینی پزشکی از همان سال‌های اول در داروسازی وارد شد و کلاس نظری عملاً متصل به فیلد بالینی بود.

• نوع نگاه استاد به اثربخشی ترکیبات طبیعی

گفتمان اصلی استاد معطر در نحوه اثربخشی مفردات گیاهی و داروهای ترکیبی طبیعی را می‌توان اعتقاد به هم‌افزایی آثار ترکیبات شیمیایی موجود در گیاهان دارویی و در نتیجه

از استادانی که با اینجانب همکاری برجسته‌ای در بررسی‌های فارماکولوژی، سم‌شناسی، میکروبی، قارچی، بیماری‌های پوستی، قلبی و عروقی، کلیه و مجاری ادراری، بیماری‌های اطفال و ... داشتند استادان زیر را به خاطر دارم: دکتر تقی قفقازی در بررسی‌های فارماکولوژی و سم‌شناسی، دکتر قزوینی‌زاده و خانم دکتر کرمانشاهی در بررسی‌های میکروبی، خانم دکتر شهلا شادزی در بررسی‌های قارچ‌شناسی، دکتر مسعود پورمقدس در مطالعات قلب و عروق، شادروان دکتر جواد فیض در بررسی‌های بالینی بیماری‌های اطفال از جمله داروی ضدنفخ اطفال، داروی زیادکننده شیر مادران، داروی ضدقارچ دهان نوزادان، دکتر موزون و سعیدی‌نژاد در بیماری‌های کلیه و مجاری ادراری و پروستات، دکتر شهلا انشاییه در بررسی بالینی داروهای پوستی از جمله داروهای ضدبرص، ضدسوریاژیس و ضدهیرسوتیسم».

کاهش عوارض جانبی داروی گیاهی دانست. این موضوع می تواند نتیجه کاهش دوز تک تک گیاهان دارویی یا ترکیبات طبیعی در فراورده نهایی باشد. امروزه برخی شواهد علمی در تأیید این نگاه در کنار نگاه مرسوم شیوه اثربخشی ترکیب خالص وجود دارد (۸) و همان گونه که شاهدیم اقبال به مطالعات بالینی بر روی گیاهان دارویی کامل و فراورده های حاصل از آن روزافزون است.

• کارآفرینی در گیاهان دارویی

از هدف گذاری های مهم امروزی، حرکت دانشگاه ها از نسل های اول و دوم آموزشی و پژوهشی به سمت دانشگاه های نسل سوم کارآفرین است. این نگاه به صورت مکرر در کل پژوهش های حوزه گیاهان دارویی استاد دیده می شد مانند استفاده از مواد اولیه گیاهان دارویی در دسترس کشور، تدارک فرمولاسیون ها براساس سنت، بررسی های بالینی و جمع آوری

مستندات علمی و تولید دارو. در این شیوه ضمن ادای وظیفه استاد داروسازی به مفهوم داروساز، سبب ایجاد چشم انداز تولید و کارآفرینی برای آیندگان رشته می شود.

• عدم بازنشستگی و تلاش مداوم

بلافاصله پس از بازنشستگی از دانشگاه، استاد کار مداوم را به عنوان سرمایه اصیل انسانی در صنعت داروسازی و به عنوان مسئول تحقیق و توسعه کارخانه داروسازی شروع کردند و به طور مستمر در برگزاری دوره های بازآموزی مشارکت فعال دارند؛ هرچند که تحلیل این دوره از فعالیت استاد، نیازمند به تحقیق های مستقلی است. استاد که از ابتدای تأسیس گروه طب سنتی اسلام و ایران فرهنگستان علوم پزشکی عضو اصلی گروه بودند (تصویر ۱۲) به صورت حضوری یا پس از شیوع کرونا به صورت غیرحضوری در جلسات گروه به صورت مستمر شرکت می کنند.



تصویر ۱۲. حضور استاد معطر در جلسه گروه طب سنتی اسلام و ایران فرهنگستان علوم پزشکی (سال ۱۳۹۲) به ریاست استاد دکتر علی اکبر ولایتی. در تصویر، اعضای گروه دکتر شمس اردکانی، دکتر مصدق، دکتر امامی، دکتر قاسملو، دکتر ناصری، نگارنده و استادان مرحوم، دکتر زرگری و دکتر سلطانی، دیده می شوند (۹).

آنچنان که استاد تابعی، عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی، تأکید می فرمایند انسان باید نسبت به گذشتگان مدیون، نسبت به خود مفتون و نسبت به آیندگان مسئول باشد.

مکتب گیاهان دارویی و فارماکوگنوزی

مرحوم دکتر باستانی پاریزی در *آسیای هفت سنگ* پیدایش مکتب و حلقه های درس را مرتبط می داند با عواملی از جمله: خاطر جمع، آرامش دل، محیط آرام، امنیت اجتماعی، پول و ثروت و قدری قدرت (۱).

مکتب گیاهان دارویی و فارماکوگنوزی اصفهان را می‌توان در ابعاد مختلف گیاهان دارویی و طب سنتی، فیتوتراپی، داروشناسی بومی، استانداردسازی و تدوین فارماکوپه، خالص‌سازی و فیتوشیمی، تجزیه دستگاهی، کشت سلولی و سایر عناوین مرتبط مورد تحلیل قرار داد که طبیعتاً تحلیل همه عناوین به پژوهش‌های مستقلی نیاز دارد. در این میان استاد معطر به گواه پایان‌نامه‌های بی‌شمارشان عمده‌ی توان خود را مصروف پژوهش‌های مرتبط با طب سنتی و گیاه‌درمانی (فیتوتراپی) و در درجه‌ی دوم داروشناسی بومی کردند. استاد دکتر قاسمی دهکردی در این خصوص می‌فرماید: «جناب دکتر معطر در دوران استادی در اصفهان بیشتر به طب سنتی، فیتوتراپی و جمع‌آوری گیاهان دارویی و بررسی دستجات ترکیبات آنها می‌پرداختند».

برای ترسیم هندسه‌ی عملکردی مکتب گیاهان دارویی و فارماکوگنوزی اصفهان ریزموضوعات زیر تحلیل می‌شوند.

• استاد درس و صاحب کرسی

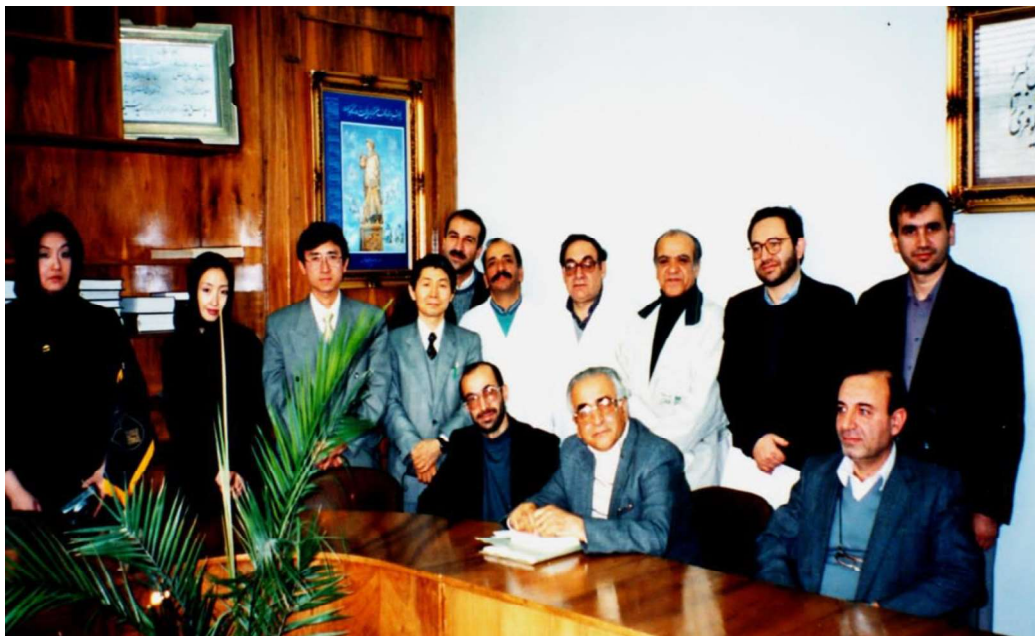
پیشگامان اصلی حوزه‌ی گیاهان دارویی و فارماکوگنوزی در اصفهان، مرحوم استاد صمصام شریعت و استاد معطر بودند. طبیعتاً استادان بسیار گران‌قدری مانند استادان ارجمند دکتر افشاری‌پور و دکتر قاسمی دهکردی و استادان جوان‌تری که در جای‌جای این نوشتار مخاطب و مصاحبه شده‌اند نقش‌های ویژه‌ای در ثمردهی مسیر این مکتب داشته‌اند که باید در گفتاری مستقل مورد پژوهش قرار گیرد. استاد دکتر معطر در این خصوص می‌فرماید: «خوشبختانه با علاقه‌مندی بسیار دانشجویان داروسازی اصفهان به مطالعه درباره‌ی داروهای گیاهی و طبیعی، گروه فارماکوگنوزی دانشکده‌ی داروسازی اصفهان جزو معتبرترین و پرکارترین گروه‌های فارماکوگنوزی کشور قرار گرفت و این افتخار نصیب دانشکده‌ی داروسازی شد که اولین دانشکده‌ای در کشور است که رشته تخصصی فارماکوگنوزی یعنی PhD فارماکوگنوزی را برقرار کند. در این رابطه شادروان دکتر سید هادی صمصام شریعت بسیار تلاش کرد و بنده هم ایشان را همراهی می‌کردم. با تلاش‌های استاد دکتر افشاری‌پور و با دعوت به کار استاد دکتر قاسمی دهکردی، گروه فارماکوگنوزی اصفهان موفق شد که استادان

بزرگ فارماکوگنوزی کشور، یعنی آقایان دکتر ابراهیم سجادی، دکتر علیرضا قنادی، دکتر احمد امامی، دکتر عبدالعلی محقق‌زاده، دکتر جواد اصیلی، دکتر یعقوب امن‌زاده، دکتر صدیقه عسکری، دکتر میترا مهربانی، دکتر بهزاد ذوالفقاری، دکتر سید مصطفی قنادیان و بسیاری فرزندان دیگر را تربیت و فارغ‌التحصیل کند که در حال حاضر به‌عنوان شاخص‌ترین و دانشمندترین استادان فارماکوگنوزی کشور در دانشگاه‌های ایران و خارج مشغول فعالیت تربیت نسل جوان فارماکوگنوزیست هستند. خوشبختانه استادان بزرگ فارماکوگنوزی کشور از جمله استادان دکتر سلیمان افشاری‌پور، دکتر محمدرضا شمس اردکانی، دکتر محمود مصدق، دکتر غلامرضا اصغری و دیگران نیز از فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ی داروسازی اصفهان هستند که اکثراً پایان‌نامه‌ی دوره‌ی دکترای عمومی داروسازی خود را با گروه فارماکوگنوزی گذرانده و برای ادامه‌ی تحصیل در خارج کشور مشغول شده و هم‌اکنون در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و اصفهان مشغول تدریس و تحقیق‌اند (تصویر ۱۳).

چنان‌که عابدینی نگاشته: «در نگاه ظاهری کسی که فقط به مطالعه و تحصیل علم برای خود می‌پردازد از جهت کسب اطلاعات، نسبت به استاد و عالمی که وقتش را به تربیت شاگردان اختصاص می‌دهد، دانش ظاهری بیشتری کسب می‌کند، اما در نگاه الهی سعه‌ی وجودی عالمی که دیگران از علم او بهره برده‌اند، بیشتر است و این به آن معناست که بهره‌ی او از علم حقیقی بیشتر است» (۷).

• دانشجویان و دستیاران

همان‌گونه که در خصوص استاد مرحوم دکتر صمصام شریعت ذکر شد، فضای درس و ملموس‌بودن مطالب برای دانشجویان در درس عملی ایشان و ارائه‌ی درس تئوری استاد معطر و البته شیوه‌ی تدریس سایر استادان گروه، که تحلیل آن پژوهش‌های مستقلی را می‌طلبد، سبب علاقه‌مندی و اقبال دانشجویان عمومی داروسازی به‌عنوان موتور اصلی پژوهش در دانشکده‌های داروسازی به مباحث گیاهان دارویی و فارماکوگنوزی بود. تعدادی از دانش‌آموختگان در داخل و یا خارج از کشور به تحصیل در رشته‌های مرتبط با گیاهان



تصویر ۱۳. دیدار گروه ژاپنی از دانشکده داروسازی اصفهان. اعضای گروه فارماکوگنوزی استاد مرحوم صمصام شریعت و استادان دکتر افشاری پور، دکتر قاسمی دهکردی، دکتر قنادی، دکتر سجادی و دکتر اصغری در کنار استاد معطر دیده می‌شوند. سایر استادان گروه در آن زمان، آقایان دکتر شمس اردکانی و دکتر مصدق، در تصویر حضور ندارند.

از تحصیل، حاصل این ذوق و شوقی بود که این دو بزرگوار در من ایجاد کردند. معتقدم هنوز هم کسی با توانایی‌های این دو آبر استاد در کشورمان برای تدریس گیاهان دارویی وجود ندارد. روح دکتر صمصام شاد و عمر استاد دکتر معطر توأم با صحت و سلامتی فزون باد».

• محیط آرام کاری

به‌طور کلی دانشکده‌های داروسازی کشور از جمله دانشکده داروسازی اصفهان که مجهز به آزمایشگاه‌های مختلف و کارکنان فعال و سخت‌کوش و مدیریت‌های مدبرانه و گروه‌های آموزشی مختلف‌اند از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری محیطی آرام و بدون تنش برای فعالیت‌های تحقیقاتی کشورند. در خصوص شکل‌گیری گروه فارماکوگنوزی اصفهان جناب دکتر قاسمی دهکردی می‌فرمایند: «در اوان ورود من به دانشکده داروسازی اصفهان و در سال ۱۳۶۸، گروه مواد دارویی با مدیریت دکتر صمصام شریعت اداره می‌شد و سپس به دو گروه داروسازی صنعتی و گیاهان و درنهایت به نام فارماکوگنوزی، تقسیم شد».

دارویی و فارماکوگنوزی پرداختند و به تدریج دامنه فعالیت‌ها در این مکتب شکل گرفت و پربار و فراگیر شد. در همین این رابطه جناب دکتر علیرضا قنادی می‌فرمایند: «سال ۱۳۶۳ بود. بهمن‌ماه که من از دانشکده داروسازی تهران به‌عنوان دانشجوی میهمان به دانشکده داروسازی اصفهان آمدم، اولین جلسه درسی من در اصفهان به‌عنوان یک دانشجوی سال دوم داروسازی با استاد دکتر معطر بود. با گیاهان دارویی به‌دلیل استفاده وسیع سنتی از آنها در خانواده و بستگان آشنا بودم، اما در حد عامیانه. آن‌چنان دلبسته گیاهان دارویی شدم که پس از اولین جلسه درس با دکتر معطر و شروع جلسات آزمایشگاهی با دکتر صمصام شریعت سر از پا نمی‌شناختم. عاشقانه مباحث را دنبال می‌کردم. اسامی علمی نامأنوس گیاهان برایم بسان واژه‌هایی آشنا و پرمفهوم می‌آمدند و فراگیری اثرات دارویی آنها و ترکیبات مهم و خصوصیات گیاهشناسی‌شان از شهد عسل، شیرین‌تر و گوارتر بود. ورود به رشته تخصصی فارماکوگنوزی و خدمت ۲۵ ساله در گروه‌مان پس از فراغت

• آرامش درونی استاد

دلی آسوده، که از ویژگی‌های درونی یک استاد مصمم در مسیر علمی است، نقش درونی بسیار ویژه‌ای در تاب‌آوری و پایداری او در محیط علمی بازی می‌کند. در جای‌جای مقاله به بهانه‌ی استاد شدن، به ویژگی‌های استاد معطر پرداخته شد. همگان این کلام را از استاد شنیده‌اند که «هیچ چیز دلیل هیچ چیز نمی‌شود» و این نوعی سپردن نتایج کارها به خداوند است و نتیجه‌ی آن آرامش درونی و آرامش در تعامل با همکاران است.

• ورود به عرصه سلامت و ترویج دانش

با اشراف بر اهمیت علوم پایه در دنیای علم، از مشکلات اصلی بیشتر رشته‌های تحصیلی از جمله برخی از حیطه‌های داروسازی، عدم ارتباط مستقیم با نیازهای عرصه سلامت و جامعه و در نتیجه درون‌گرایی رشته است. بخشی از شیوه‌هایی که به پایایی هر مکتب علمی و دانشگاهی کمک شایانی می‌کنند ورود به عرصه‌های سلامت، جامعه و ترویج و مردمی‌کردن دانش است؛ برای نمونه برخی از شیوه‌ها می‌تواند عبارت باشد از: انتشار کتب مرجع درسی، انتشار مقالات داخلی و بین‌المللی، انتشار کتب دارای مخاطب غیر تخصصی، برگزاری سمینارها و نشست‌های تخصصی، برگزاری دوره‌های بازآموزی برای رشته‌های در عرصه، به‌کارگیری رسانه‌های ارتباط جمعی برای نشر دانش، ورود مطالعات پایه به عرصه‌های سلامت و درمان و تهیه و عرضه دارو. علاوه بر ورود بخشی از نتایج پژوهش‌های استاد معطر در قالب ۲۱۹ پایان‌نامه دوره‌های عمومی و تخصصی داروسازی به عرصه بالینی و تهیه دارو که پیش‌تر ذکر شد، کتاب‌های درسی ارزشمند و یا با مخاطب عام (تصویر ۱۴) توسط استادان مکتب اصفهان از جمله استاد معطر و استادان همکار انتشار یافت.

• نقدهای درون و بیرون گروه

هرچند طیف برخوردها و نقدهای مخاطبان نسبت به فعالیت‌های هر استاد می‌تواند از ریشخند تا انتقاد علمی مستدل متغیر باشد، اما هرگاه که استاد بدون دامن‌زدن به جنبه‌های آزاردهنده و غیرسازنده گفتمان‌ها به جنبه‌های نقد علمی همکاران داخل و خارج گروه توجه کند، به‌جای احساس یأس

و ناامیدی، پویایی علمی در او شکل می‌گیرد و به تدریج پایه‌های علمی مکتب فراگیر و قدرتمند می‌شود. خصلت مهم استاد معطر، بزرگواری در برابر همکاران دانشکده و خشنودی از مشارکت ایشان در پژوهش‌های مرتبط بود. ایشان در صورت برخورد با رفتار احیاناً نامناسب، همکاران و مخاطبان را می‌بخشیدند، ولو این‌که تعبیر به فراموشی استاد می‌شد.

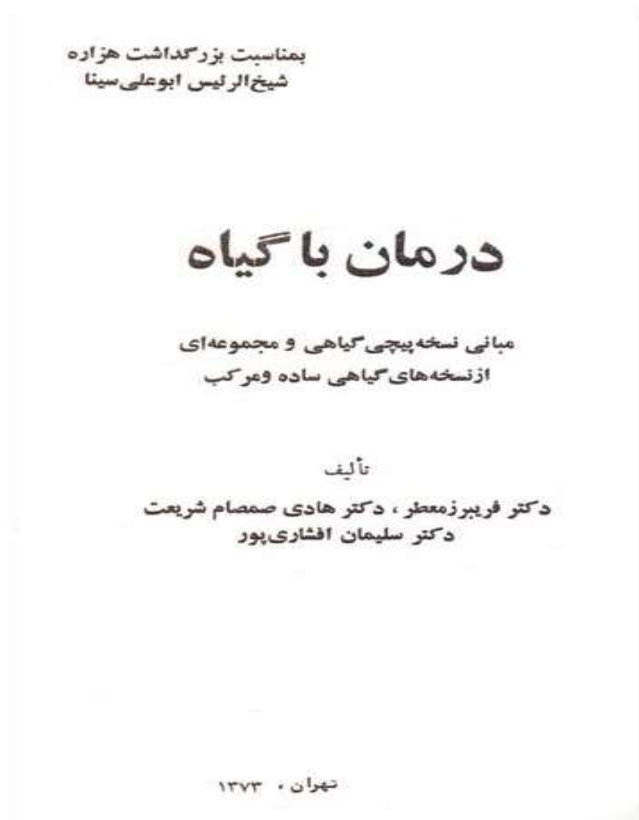
به نظر می‌رسد جهت شکل‌گیری مکاتب واقعی علمی در دانشگاه‌ها، اعتنای جدی به نقدهای علمی در قالب نشست‌های آزاداندیشی و هم‌اندیشی فعال ضروری باشد تا به تدریج کرسی‌های واقعی نظریه‌پردازی شکل گیرد.

• رابطه مستمر با دنیای علم

بی‌شک بخشی از پویایی یک مکتب مربوط به دسترسی به آخرین یافته‌های علمی کشور و دنیا و تبادل اطلاعات است. در خصوص استاد معطر این مهم از طریق شرکت در کنفرانس‌های داخلی و بین‌المللی، استفاده مستمر از نشریات و کتاب‌های علمی در زمینه گیاهان دارویی به‌طور عمده به زبان‌های آلمانی و انگلیسی صورت می‌گرفت. از سوی دیگر حضور اعضای هیئت علمی جوان که در کشورهای مختلف تحصیل کرده بودند و اکنون در گروه فعالیت می‌کردند سبب استمرار پویایی مکتب اصفهان بود.

• ترجمان تحقیق به گفتمان با مدیران کشور

از موضوعات بسیار مهم برای فراگیر شدن نتایج تحقیقات، ترجمان نتایج پژوهش‌ها به شکلی ساده، قابل فهم و پاسخگو به مشکلات حوزه سلامت برای صاحبان سیاست و مدیران کشوری است. این بخش مهم از کار که امروزه در قالب خلاصه‌های سیاستی (Policy Briefs) مطرح است هنوز هم کمتر در مجامع دانشگاهی رایج شده است. نقش اساسی در ترجمان تحقیقات حوزه گیاهان دارویی بر دوش استادان جوانی بود که به‌طور عمده شاگردان دیروز مکتب گیاهان دارویی اصفهان و در آن زمان همکاران جوان گروه بودند. نتیجه این فعالیت‌ها ورود تدریجی داروهای گیاهی و طبیعی به داروخانه‌های سطح کشور بود. استاد دکتر شمس اردکانی که از استادان مؤثر در ترجمان دانش به سیاست‌گذاری‌های کلان



تصویر ۱۴. کتاب درمان با گیاه (۱۰) از کتاب‌های پراشتار جمعی از استادان گروه فارماکوکونوزی اصفهان که مورد اقبال دانشگاهیان و مردم قرار گرفت.

دیگران را به‌خوبی آموخته و به منصه ظهور درآورده و اولویتش انجام کارهای بنیادی و ماندگار است. عمرش طولانی، وجود بابرکتش سالم و ایام عزتش مستدام باد».

بحث و نتیجه‌گیری

فضای امروزی دانشگاه‌ها نسبت به دوران استادی دکتر معطر، با سرعت در حال تغییر است. از طرفی تغییر نگرش دانشجویان به دانشگاه، حرکت به سمت آموزش غیرحضوری و از سوی دیگر فراگیری ارزیابی و ارتقای استاد به شیوه‌های صرفاً متریک سبب شکل‌گیری استاد همه‌فن‌حریف و همیشه مشغول و مدیر نگرارش مقاله شده است. در نتیجه آن، حرکت دانشگاه به سمت فردمحوری و احیاناً عدم توجه کافی به رسالت‌های اساسی دانشگاه مانند شاگردپروری، آموزش پاسخگو به مشکلات جامعه و نقش‌آفرینی استاد دارای منش اخلاقی و منشور و دارای فضیلت و استادی است که در صورت

بوده‌اند و این متن به دستور ایشان نگارش شده است، در خصوص استاد می‌فرمایند: «استاد ما حضرت دکتر فربرز معطر، نگاهش دریای ژرف مهر و عاطفه، کلاسش زمزمه محبت و کوهی از جنس دانستن به عظمت خرد، رفتارش دشتی از فروتنی، اخلاص، صداقت و خیراندیشی، آرام، عمیق و مسلط و عاشق فرهنگ و تمدن است. دیگران را بر خود مقدم می‌دارد و از خودگذشتگی را با خود معنی کرده است. پله‌های رشد و ترقی می‌شود و سر خم نمی‌کند و با منش استادی شاگردپروری می‌کند. دورانیش و خیرخواه است، پدر ساخت داروهای گیاهی است، ستون قابل‌اتکا در مکتب طب سنتی اصفهان بوده و عالمانه از تحقق اهداف علمی آن مباحثات می‌کرد. احیاکننده بخشی از میراث مکتوب طب سنتی و ذخیره‌ساز ذخیره خوارزمشاهی است. اهداف بلند را به‌خوبی ساماندهی می‌کند، ریل‌گذاری و مسیریابی برای رشد و تعالی

عدم حضور فقدان او احساس شود.

در این مقاله سعی شد با جستاری در ریشه‌های گرایش استاد معطر به حیطة داروسازی و گیاهان دارویی، تجربه تحصیل در مکتب گیاهان دارویی آلمان تا دوران استادی او در دانشگاه اصفهان بررسی شود. برخی جنبه‌های قابل توجه و ماندگار در فرهنگ داروسازی استاد معطر را که آموزنده است می‌توان در تاب‌آوری و هدایت‌گری در شرایط سخت و عشق به کار در ناملازمات، اخلاق ایشان در تعامل با دانشجو و همکاران، مداومت در حیطة کاری و استمرار در حیطة تخصصی برشمرد. ناگفته پیداست که تحلیل جامع عملکرد یک استاد بایستی با تحلیل عملکرد سایر استادان هم‌زمان او کامل شود که جای بررسی‌های آتی دارد و از محدودیت‌های این مطالعه است. همچنین بررسی تعادل کار و زندگی شخصی از موضوعات بااهمیتی است که می‌تواند در تحقیق مستقلی مورد بررسی قرار گیرد. هرچند که خلأ جامعه دانشگاهی از

جداشدن امثال استاد معطر از دانشگاه به‌راحتی قابل‌ترمیم نیست، اما حضور استاد در ادامه فعالیت در صنعت داروسازی، چشم‌اندازهای عملی و فرصت‌های جدیدی را پیش‌روی دانش‌آموختگان داروسازی قرار داده است. بی‌شک نتیجه حضور نسل‌های مختلفی از شاگردان استاد در عرصه‌های فعال گیاهان دارویی در مراکز دانشگاهی، تحقیقاتی و تولیدی آن است که تا روز قیامت اجر هر عمل صالح شاگرد به استاد نیز بازگردد. امید است بررسی‌هایی از این دست سبب بازنگری و روزآمدشدن قالب شئون استادی شود.

تشکر و قدردانی

به این وسیله از استادانی قدردانی می‌شود که در مصاحبه‌ها شرکت کرده و روزگاری همکار یا از شاگردان استاد معطر بوده‌اند. همچنین از همکاران ارجمند در کتابخانه‌های دانشکده‌های داروسازی شیراز و اصفهان به سبب گردآوری مستندات پایان‌نامه‌های استاد کمال قدردانی را دارم.

References:

1. Bastani Parizi ME. Becoming a professor, In: *Assyay-e-Haft-Sang*. Tehran: Elam Publications; 2004. [In Persian].
2. Parsapour A. Oral history of Tehran University of Medical Sciences. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 2016. [In Persian].
3. The academy of medical sciences of Islamic republic of Iran: Honorary and associate members. Tehran: The Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran; 2013. [In Persian].
4. Ghaffari F, Naseri M. Dr. Fariborz Moattar, In a revivalist of Traditional Iranian Medicine in the contemporary era. Tehran: Traditional Iranian Medicine Publications; 2019. [In Persian].
5. Daff L. Distinguished Professor Lee Parker: A biography. *Accounting History*. 2022;27(4): 639–66.
6. Mohagheghzadeh A. Imaginative professor. *Research Journal of Pharmacognosy*. 2019;6(4):1-2.
7. Abedini M. Discipleship. Qom: Maarif Publications; 2022. [In Persian].
8. Kim HU, Ryu JY, Lee JO, Lee SY. A systems approach to traditional oriental medicine. *Nature Biotechnology*. 2015;33(3):264-68.
9. History of the academy of medical sciences of Islamic republic of Iran. Tehran: The Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran; 2006. [In Persian].
10. Moattar F, Samsam Shariat H, Afsharipour S. Treatment with medicinal plants. Isfahan: Mashal Press; 1994. [In Persian].



Becoming a professor: A research on the professorial personality of Dr. Fariborz Moattar On the occasion of the 82nd birthday of Professor Dr. Fariborz Moattar

Abdolali Mohagheghzadeh^{a*}

^aDepartment of Traditional Pharmacy (Phytopharmaceuticals), Faculty of Pharmacy, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Abstract:

This research has endeavored to examine the performance and character of the pioneer professor of Isfahan Faculty of Pharmacy, Dr. Fariborz Moattar, to acknowledge characteristics of the model professor and their roots, and to introduce them to students, the young generation of university professors, and educational policymakers. The study method in this research is based on a review of available documents (books, academic resume, theses, pictures, etc.) and interviews with the professor, his former students and colleagues. The results were arranged and are discussed as follows: background; teaching model; discipleship (model of attracting students; trust in students, instilling self-confidence in students; kindness and benevolence for students; patience in tensions and practical maintenance of university dignity; practical training of respect for professors, students and personnel; operationalization of research results in the field of production); relationship with academic colleagues; inheritance of predecessors with foresight; and the school of medicinal plants and Pharmacognosy. It is hoped such studies will lead to revision and updating of the format of professorships based on the basic missions of the university, such as discipleship, education responsive to the needs of society, and special attention to ethical character and in general, a mentor and virtuous professor.

Keywords: Professional competence, Pharmacognosy, Medicinal plants

Corresponding Author: mohaghegh@sums.ac.ir